ارزیابی حقوق و نیازمندی های
تعلیمات فراگیر در افغانستان

© یونسکو 2009

چاپ
یونسکو کابل
دفتر یونسکو،خانه شماره 1143،چهارراهی مرکزی شیر پور
کابل، افغانستان

تصاویر© یونسکو کابل/ تریه م. واتر دل

چاپ در کابل، افغانستان (خدمات مشوره دهی تیک تاک 0799602757)
اشخاص حقیقی و مواد معرفی شده در این نشریه بیانگر هیچگونه نظریه و یا هر آنچه که مربوط به یونسکو در موردوضعیت حقوقی کشور ها، شهر ها و منطقه و یا از مقامات و مرز ها میشود، نمی باشد

ارزیابی حقوق و نیازمندی های
تعلیمات فراگیر در افغانستان

پیشگفتار

سند ارزیابی حقوق و نیازمندیهای تعلیمات فراگیر درافغانستان توسط وزارت معارف و یونسکو با همکاری نزدیک سازمان های همکار گروه کاری هماهنگی- تعلیمات فراگیرتهیه شده است. این سند به همکاران و سهم گیرندگان دولتی و غیردولتی کلیدی کمک می کند تا گام های هماهنگ، برنامه ریزی شده و موثردرراستای تحقق اهداف آموزش برای همه در افغانستان بردارند. وزارت معارف براین نکته اذعان دارد که تحقق اهداف مذکور ممکن نخواهد بود، مگراینکه کلیه مکاتب به مکاتب فراگیرو دوستانه برای اطفال مبدل شوند.

سند حاضر بر آن است تا برداشت خوانندگان را از تعلیمات فراگیر وسیع تر سازد. منطق نهفته در این سند عبارت است ازاینکه تعلیمات فراگیر نه تنها یک روش برای توانمندسازی اطفال دارای معلولیت جهت شمولیت در مکاتب عادی است، بلکه روشی جامعی است برای عرضه تعلیمات با کیفیت برای همگان. همانطور که در این سند تأکید شده است، تطبیق تعلیمات فراگیر، متضمن دسترسی برابر تمام اطفال به تعلیم و تربیه با کیفیت در مکاتب همجوارشان می باشد.

در افغانستان، دختران، اطفال متضرر از جنگ و درگیری، اطفال دارای معلولیت، اطفال متعلق به اقلیت ها، اطفال کوچی، اطفال فقیر، اطفال کارگر و اطفال تحت تأثیر مواد مخدر، در میان بسیاری ازگروه هایی از کودکان قرار دارند که در معرض خطر محرومیت از تعلیم، چه در درون و چه در بیرون از نظام تعلیم و تربیه قرار دارند. رهنمای مفصلی که در پایان این کتاب آمده است، یک استراتیژی راجع به چگونگی تطبیق تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال ارائه می کند و ما را در رفع موانع متعدد فراروی تعلیم و تربیه، انکشاف و مشارکت که مانع از دسترسی میلیون ها طفل افغان به مکتب می شود، یاری می کند.

از این رو، ارزیابی حقوق و نیازمندی های تعلیمات فراگیر در افغانستان، یک ابتکار بموقع محسوب می شود. آرزومندیم که این سند بتواند دانش و آگاهی قانون گذاران، پلان گذاران معارف، تربیت کنندگان معلم، مدیران مکاتب، سرمعلمین و همچنین معلمین را در مورد اهمیت رویکرد آموزشی فراگیر و حق - محور گسترش دهد. آموزش برای همه تنها زمانی قابل تحقق است که کلیه عوامل درگیر در عرصه تعلیم و تربیه به این برداشت برسند که نیازها و توانمندی های متعدد روستاها و اجتماعات محلی ما باید در مکاتب و کلیه سطوح نظام معارف منعکس و مورد رسیدگی قرار گیرند.

جلالتمآب فاروق وردک
وزیر معارف

دیباچه

دفتـر یونسـکو بـا همکـاری سـازمان هـای همکـار در گـروپ همـاهنگی کـاری تعلیمـات فراگیـر (IECWG)،وزارت معـارف را در تهیـه سند **"ارزیـابی حقـوق و نیازمنـدی هـای تعلیمـات فراگیـر در افغانستان"** کمک نموده است. خطوط کاری جامع به سوی تعلیمات فراگیر که یک بخش مهم این سند است به اخرین نسخه پلان استراتیژیک ملی (NESP II) ارجاع داده شده است. بنابراین دفتر یونسکو مطمئن است کـه کـارگزاران دولتـی و غیر دولتـی از نظریـات ارائـه شده در گزارش ارزیـابی حقوق و نیازمندی استفاده می کنند و راه های را کـه در خطـوط کـاری ارائـه شده دنبـال مـی نمایند تـا یـک گـام سیستماتیک و موثر برای بهبود دسترسی به تعلیمات با کیفیت برای همه در افغانستان برداشته شود.

تهیه این سند به ذات خود بـا اشتراک فراگیر بسیاری از کـارگزان دولتـی و غیردولتـی ، فراهم شده است. تمام کسانیکه در این سند ذیدخل هستند بـه اهمیت حیـاتی تعلیمـات فراگیر بـرای رسیدن بـه اهداف تعلیمـات برای همه موافق اند. افغانستان قادر نخواهد بود بدون ایجاد سیستم تعلیمـات فراگیر و دوستانه بـرای اطفـال به اهداف مندرج در اهداف توسعه هزاره (AMDG) این کشور، بـه آرمـان هـای مشخص شده در قـانون اساسـی افغانسـتان (2004/ 1382) و قـانون معـارف (2008)، و بـه امیدها و آرزو هـای میلیـون هـا تـن از کودکان و جوانان افغان ، دست یابد.

این سند همچنین ابزار مهمـی بـرای ایجـاد درک گسترده تر کـارگزاران ملـی و بین الملل از موانـع بـزرگ پیشروی کودکان افغان برای رفتن به مکتب و تکمیل تحصیلات شان است و گام هـای لازم را بـرای کـاهش و یاحذف این موانع مشخص می کند. بسیاری از کودکان بخاطری که دختر هستند از مکتب بازداشته شده اند. تعدادی دیگر هم از رفتن به مکتب به دلیل نا امنی کـه بخش بـزرگ از کشور را گرفتـه، بـاز مانده اند. اطفال دارای معلولیت فرصت های اندک دارند و آنهـا بشـکل سیستماتیک از سیستم تعلیم و تربیـه بازداشـته می شوند. این مسایل در مورد اطفال با پیشینه های اقلیتی هم واقعیت دارد.غالب شدن مشـکلات اقتصـادی و بی عدالتی های اجتماعی عامل دیگری است کـه مـانع رفتن میلیـون هـا طفـل بـه مکتب و تکمیل تحصیلات شان می شوند. با وجود این همه چالش ها وزارت معارف افغانستان موفقیت چشمگیری در آوردن میلیون ها طفل اعم از دختر و پسر را در بخش های قبل از مکتب، ابتدائیه و ثانویه بدست آورده است.

جـا دارد کـه سپاس و قـدر دانـی ویـژه نمـاییم از آقـای تریـه مگنوسـون واتـردل (Terje Magnussonn Watterdal) به خاطرنوشتن این گزارش، از خـانم پـروین عظیمـی کـه مصـاحبه هـای لازم را انجـام داده و اطلاعات را از کارگزران کلیدی جمع آوری نموده است، از آقـای عبدالواسیع آرین ، خـانم سلینا جینسن، خانم آن لونگستون، آقای سبحان روف، خانم فنی ویروت، خـا نم سوسن وردک و آقـای صـدیق ویـرا بـرای نظریات ویرایشی جامع آنها، و در نهایت از خانم مارینا پتریر، متخصـص برنامـه هـای تعلیمـی یونسـکو در کابل که آغازگر و هماهنگ کننده کار تحقیق حقوق و نیازمندی تعلیمات فراگیر در افغانستان است.

علاوه بر بودجه عادی یونسکو، سازمان توسعه بین المللی سویدن (SIDA) تهیه و چاپ این سند را کمـک نموده اند. ما صمیما نـه از این کمـک و مزایـای کـه آن بـرای بخش تعلیمـی در افغانستان دارد قدردانی مـی کنیم.

انتشار سند ارزیابی حقوق و نیازمندی تعلیمات فراگیر در واقع یک ابتکار به موقع است. امیدواریم که این سند یک ابزار موثراصلاحی برای برنامه ریزان تعلیم و تربیه، مربیان معلمان، مدیران مکاتب، و معلمان بوده و به آنها در پروسه برداشتن موانع آموزش،توسعه و مشارکت که در حال حاضر توسط کودکان در سراسر افغانستان تجربه می شود، کمک نماید.

شیگیرو آویاگی
رئیس دفتر یونسکو در کابل
و نماینده یونسکو در افغانستان

ارزیابی حقوق و نیازمندی های
تعلیمات فراگیر در افغانستان

مقدمه

قانون اساسی، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده، اهداف آموزش برای همه، قانون معارف و پلان استراتیژیک ملی معارف، همه بر نقش حیاتی نظام تعلیم و تربیه (از سطح پیش از دوره ابتدائیه تا تحصیلات عالی) در شکل دهی آینده افغانستان تأکید دارند. قانون اساسی، مصوبه سال 2004، حق دسترسی برابر تمام اطفال و جوانان را به تعلیم و تربیه با کیفیت تضمین می کند. همچنین، در قانون معارف، مصوبه آگست 2008، مجدداً حق تعلیم و تربیه برای تمامی مردم افغانستان مورد تأکید قرار گرفته است.

در سال 2008، میزان ثبت نام در مکتب هفت برابر شده است؛ تعداد اطفال متعلم در این سال به بیش از شش میلیون رسیده است که 36 فیصد آن دختر بوده اند. با وجود این هم، مطابق به تخمین وزارت معارف، نصف اطفال سن مکتب، خارج از مکتب قرار دارند. بعلاوه این اطفالیکه از تعلیم دوراند ، بسیاری از اطفا ل درداخل سیستم تعلیمی به خاطر دختر بودن، معلول یا کوچی بودن، در معرض خطر انزوا و کم توجهی در مکاتب و نظام تعلیم و تربیه هستند. بنابراین رابطه به دوری اطفال از تعلیم و در سیستم تعلیم توسط دولت و همچنان مکاتب و اجتماعات مردمی واجب است که با ااین مسئله مبارزه کنند. از این رو، کلیه مکاتب افغانستان باید "فراگیر" و دارای "فضای دوستانه برای اطفال" باشند. در مکاتب فراگیر، اطفال مطابق با توانایی خود ونظر به سرعت آموزش خود می تواند به رشد ایده آل علمی ، اجتماعی، عاطفی و فزیکی برسند. این امر باعث می شود که اطفال بیشتری در مکتب ثبت نام کرده و در عرصه تعلیمی موفق شوند.

در سال 2008، گام های زیادی بسوی رشد سیستم تعلیمات فراگیرد رافغانستان برداشته شد. یکی از این گامها ، تأسیس یک گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر بود که مشترکاً توسط یونسکو و وزارت معارف رهبری می شود و همه همکاران انکشافی عمده (موسسات غیردولتی، دفاتر ملل متحد و غیره) در آن اشتراک دارند .

هدف از ایجاد این گروه کاری عبارت بود از:

1. درک مشترک مفاهیم مربوط به تعلیمات فراگیر توسط کلیه دست اندرکاران؛
2. حمایت از رشد تعلیمات فراگیر درافغانستان؛
3. بهبود سطح هماهنگی و همکاری میان دست اندرکاران تعلیمات فراگیر، گروه های کاری موجود و ریاست های مربوطه جهت همآهنگ ساختن آنها با اهداف آموزش برای همه و پلان استراتیژیک ملی معارف (وزارت معارف) و غیره؛
4. مرور و بازنگری پالیسی ها، استراتیژی ها و رهنمودهای موجود و پیشنهاد شده جهت ارائه پیشنهادات برای فراگیر کردن آنها؛

وزارت معارف با کمک یونسکو گزارش ملی معارف را در نتیجه چهارمین نشست کنفرانس بین المللی تعلیمی، "تعلیمات فراگیر: مسیر آینده" به نشر رساند که این کنفرانس اداره بین المللی تعلیمی یونسکو به ماه نوامبرسال 2008 در جنوا ترتیب داده شده بود.[1]

بخش جدید در وزارت معارف زیر نام تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستانه برای اطفال در حا ل تاسیس است در این زمینه، یونسکو به همکاری نزدیک با وزارت معارف و اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر، در نوامبر و دسمبر 2008، یک ارزیابی تحت عنوان "ارزیابی حقوق و نیازمندی های" تعلیمات فراگیر انجام داد که هدف آن تحلیل وضعیت موجود و ارائه پیشنهادات برای مراحل اولیه تطبیق تعلیمات فراگیر درافغانستان بود. این ارزیابی همچنین شامل یک پلان مفصل کاری برای پنج سال آینده بود.

"سیستم تعلیمات فراگیر متضمن این است که همه اطفال، بدون درنظرداشت جنسیت (جندر)، توانایی ها، عدم توانایی ها، پیشینه ها/سوابق و وضعیت صحی شان، به تعلیم با کیفیت دسترسی داشته باشند."[2]

هنگام ترتیب ارزیابی حقوق و نیازها، با همکاران و دست اندرکاران مصاحبه صورت گرفت و سوالنامه ها یی از طریق ایمیل برای کلیه همکاران و اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر فرستاده شده و معلومات موجوده جمع آوری گردید. این مصاحبه ها نتایج باارزشی به دنبال داشت . باوجود این هم، به دلیل زیاد بودن تعداد پروژه ها، ابتکارات و سازمان های تطبیق کننده، این امکان میسر نشد که معلومات مرتبط به تمامی برنامه های ذیربط در این گزارش آورده شود.

پیشنهادات در بخش 4 این سند، پس از ارزیابی پتانسیل ها و ظرفیت های کاری وزارت معارف و همچنین سازمان های عضو گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر ارائه شده اند. این بسیار مهم است که تا جای امکان پیشنهادات مشخص، عملی و پایدار ارائه شود. اما ارائه این پیشنهادات به هیچ وجه از اهمیت تلاش های عمومی ای که در راستای تحقق تعلیم برای همه صورت گرفته اند، نمی کاهد.

یکبار دیگر بر ضرورت استفاده از روش های گسترده و فراگیر برای تطبیق تعلیمات فراگیر، بهبود کیفیت تعلیم و تربیه برای همه اطفال در افغانستان، به خصوص دسترسی بیشتر اطفالی که در معرض محرومیت از تعلیم و تربیه (چه در داخل و چه در بیرون از نظام تعلیم و تربیه) می باشند، تآکید می کنیم.

[1] - این گزارش را می توانید از وب سایت اداره بین المللی معارف یونسکو دانلود کنید:
http://www.ibe.unesco.org/National_Reports/ICE_2008/afghanistan_NR08.pdf

[2]- Watterdal, Terje M / Skjørten, Miriam D. / Sletmo, Einar / Hauschild, Alexander T. / Tahir, M. Rafique (2009). Glossary on Terminologies – Inclusive Education, Child-Friendly Schools and Disabilities. Islamabad and Jakarta: IDP Norway / Federal Directorate of Education (FDE) / Sight Savers International / IDPN Indonesia. p. 40

فهرست مطالب

مقدمه

اختصارات

بخش اول — تعهدات ملی و بین المللی برای تضمین حقوق مساوی اطفال در بدست آوردن معارف با کیفیت (به ترتیب زمان)

بخش دوم — گروه های اطفالی که در معرض خطر محرومیت و انزوا هستند

بخش سوم — تعلیمات فراگیر- وضعیت فعلی

بخش چهارم — خطوط کاری – به سوی تعلیمات فراگیر - پیشنهادات برای سال‌های 2009 تا 2014

اختصارات

سازمان حمایت از اطفال افغانستان	ACPO
بانک انکشافی آسیا	ADB
اختلال کاهش توجه	ADD
اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت	ADHD
فعالیت های حیاتی روزمره	ADL
سندروم اکتسابی مختل کننده سیستم دفاعی	AIDS
ابتکار یکپارچه سوادآموزی کارکردی در افغانستان	AIFLI
بنیاد آغا خان	AKF
انجمن ملی نابینایان افغانستان	ANAB
انجمن ملی ناشنوایان افغانستان	ANAD
استراتیژی انکشاف ملی افغانستان	ANDS
انجمن روشندلان افغانستان	BRAA
تعلیم و تربیه محلی	CBE
بازسازی محلی	CBR
مکتب دوستانه برای اطفال	CFS
فلج مغزی	CP
کنوانسیون حقوق طفل	CRC
مرکز بازسازی و انکشاف محلی	CRDC
خدمات امدادی کاتولیک	CRS
سازمان اشخاص دارای معلولیت	DPO
مراقبت اولیه و تعلیم و تربیه در دوران طفولیت	ECCE
رشد اولیه در دوران طفولیت	ECD
شبکه آموزش توانمندساز	EENET
آموزش برای همه	EFA
بهبود سوادآموزی در افغانستان	ELA
تعلیم و تربیه برای انکشاف پایدار	ESD
اختصاص منابع برای فعالیت های صحی موثر مکاتب	FRESH
بنیاد بهزیستی خانواده	FWF
هندی کپ انتر نشنل Handicap International	HI
بنیاد اشخاص دارای معلولیت شنوایی در افغانستان	HIFA
اچ آی وی	HIV
دسته بندی بین المللی عملکرد و صحت	ICF
کمیته نجات بین المللی صلیب سرخ	ICRC
تعلیمات فراگیر	IE
ریاست مستقل امور کوچی ها	IKDA
محیط فراگیر و دوستانه	ILFE
سازمان بین المللی کار	ILO
موسسه غیردولتی بین المللی	INGO
کمیته نجات بین المللی	IRC

شبکه های معلوماتی یکپارچه منطقوی	IRIN
اداره همکاری بین المللی جاپان	JICA
سازمان اورتوپدیک کابل	KOO
آموزش برای توانمندسازی اجتماع	LCEP
ابتکار سوادآموزی برای توانمندی	LIFE
آموزش مهارت های حیاتی	LSE
اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده	MDG
گزارش هفته وار میزان بیماری و مرگ و میر	MMWR
وزارت معارف	MOE
وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین	MOLSAMD
انجمن ملی نابینایان	NAB
شورای ملی تحقیقات آموزشی(هندوستان)	NCERT
سروی ملی معلولیت در افغانستان	NDSA
پلان استراتژیک ملی معارف	NESP
موسسه غیردولتی	NGO
پلان عملی ملی سوادآموزی	NLAP
ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی	NRVA
جهت یابی و تحرک	O&M
دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر	OHCHR
یک لب تاپ برای هر طفل	OLPC
مرکز بطاعت دماغی Associazione Pro Bambini di Kabul	PBK
کمیته سوئدن برای افغانستان	SCA
دفتر حمایه اطفال	SC
سازمان انکشافی سنایی	SDO
کالج تربیه معلم	TTC
سازمان ملل متحد	UN
برنامه انکشافی ملل متحد	UNDP
سازمان تربیتی علمی و فرهنگی ملل متحد	UNESCO
جلسه ویژه شورای عمومی ملل متحد	UNGASS
کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان	UNHCR
صندوق حمایت از اطفال ملل متحد	UNICEF
صندوق انکشافی زنان ملل متحد	UNIFEM
مرکز مقابله با ماین ملل متحد در افغانستان	UNMACA
بانک جهانی	WB
اطفال جنگ هالند	WCH
سازمان جهانی صحت	WHO

بخش اول

تعهدات ملی و بین المللی برای تضمین حقوق مساوی اطفال در بدست آوردن معارف با کیفیت (به ترتیب زمان)

بخش اول

تعهدات ملی و بین المللی برای تضمین حقوق مساوی اطفال در بدست آوردن معارف با کیفیت (به ترتیب زمان)

براساس ارزش های اسلامی، تعلیم برای زنان و مردان اجباری می باشد. براساس ماده 43 قانون اساسی افغا نستان و ماده 4 قانون معارف، وزارت معارف افغانستان مسئولیت فراهم ساختن معارف مجانی برای **همه** اطفال و جوانان افغانستان را به عهده دارد. قانون اساسی افغانستان هم چنان معارف اساسی یعنی صنوف اول تا نهم را برای همه اطفال اجباری تعیین می کند. براساس اهداف انکشافی افغانستان برای 15 سال آینده تمام اطفال، پسران و دختران، باید الی سال 2020/ 1399 به تعلیمات ابتدایی دسترسی داشته باشند.

ابتکارات و پیشنهاداتی که در این ارزیابی نیاز ها و حقوق مطرح می شوند، در تطا بق با قوانین ملی و تعهدات ملی و بین المللی به وجود آمده اند:

- اعلامیه جها نی حقوق بشر (1948)
- کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با تبعیض در معارف (1960)
- کنوانسیون ملل متحد برای رفع هر گونه تبعیض علیه زنان (1979)
- کنوانسیون حقوق طفل ملل متحد (1989)
- کنوانسیون ملل متحد برای قبایل و مردم بومی(1989)
- اعلامیه جهانی آموزش برای همه (1990)
- بیانیه و چارچوب کاری سالامانکا در مورد تعلیم و تربیه برای اطفا ل دارای نیازمندی های خاص (1994)
- کنوانسیون سازمان بین المللی کار در مورد بدترین اشکال کار اطفال(1999)
- چارچوب کاری داکار برای آموزش برای همه (2000)
- اعلامیه و تعهد جلسه ویژه شورای عمومی ملل متحد در مورد اچ آی وی /ایدز(2001)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (2004)
- اهداف انکشافی افغانستان برای 15 سال آینده (2004)
- اعلامیه سیاسی جلسه ویژه شورای عمومی ملل متحد در مورد اچ آی وی/ایدز (2006)
- -استراتیژی انکشاف ملی افغانستان (2006)
- پلان استراتیژیک ملی معارف (2006)
- کنوانیسون ملل متحد برای اشخاص دارای معلولیت (2006)
- اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق مردم بومی (2007)
- قانون معارف- جمهوری اسلامی افغانستان (2008)

آگاهی تعداد زیادی از دست اندرکاران کلیدی دولتی و غیر دولتی در مورد مسئولیت های قانونی شان برای تضمین حق مساوی همه اطفال برای معارف، مواظبت و حمایه محدود می باشد. جمهوری اسلامی افغانستان تمام کنوانیسون های فوق را امضا و یا تصویب ننموده است. کنوانسیون های امضا و یا تصویب شده هم الزاما تطبیق نمی شود. این مورد در رابطه با قانون اساسی(2004) و قانون معارف(2006) هم صدق می کند.

پلان استراتیژیک ملی معارف، چارچوب کاری برای تطبیق قانون معارف را به وجود می آورد. نسخه فعلی این پلان، به گروه های محروم مانند دختران، کوچی ها و اطفال دارای معلولیت مربوط می شود، اما به معارف و تعلیمات فراگیر اشاره نمی کند. نسخه جدید پلان استراتیژیک ملی معارف که در نیمه2010 به چاپ می رسد، تعلمیات فراگیر را منحیث شیوه برای تحقق به هدف رسیدن بطورهمه جانبه آموزش برای **همه** تعیین کرده است، مکاتب دوستانه برای اطفال و شیوه آموزشی آن و روش آموزشی مبتنی بر حقوق و نیازمندی ها از طرف دیگر، هیچ کدام ازقوانین ملی ممانعتی برای جلوگیری از تطبیق تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال بوجود نمی آورند. بنابراین عدم اشاره به مسئله فراگیری آموزش در اسناد قانونی نباید باعث شود که مراجع دولتی و غیر دولتی برای فراگیر کردن و دوستانه کردن سیستم معارف، منتظر اصلاح سیستم فعلی معارف بمانند.

قانون معارف 1387 (2008)

ماه 3 قانون معارف، حقوق برابر آموزش برای همه اطفال را تضمین می کند. اما این مسئله در ماده 15 این قانون در رابطه با تعلیم و تربیه اشخاص دارای نیازمندی های خاص اندکی مبهم است. این ماده را می توان به دو شیوه تفسیر کرد: یکی اینکه این ماده متضمن سیستم های معارف منعطفی است که برای انطباق با وضعیت اطفال دارای نیازمندی ها و توانایی های خاص طراحی شده اند، یا اینکه این ماده ترویج دهنده عرضه تعلیمات خاص در محیطهای آموزشی مجزاتر (مکاتب یا صنوف خاص) می باشد که در آن اطفال دارای معلولیت مستقیماً شامل مکاتب عادی نمی شوند.

مطابق با ماده 43 قانون اساسی افغانستان و ماده سوم قانون جدید معارف، مهم است که تمرکز همه مکاتب و موسسات آموزشی روی تأمین حقوق برابر برای همه اطفال در زمینه تعلیم و تربیه بدون بدون هر گونه استثناء و تبعیض باشد. تعدادی از مواد قانون معارف که در ارتباط با آموزش در محیط فراگیر و دوستانه است، ذیلا ذکر می شوند:

- حقوق مساوی در عرصه تعلیم و تربیه
  ماده سوم:
  "کلیه اتباع جمهوری اسلامی افغانستان، بدون هیچ گونه تبعیض، از حقوق مساوی در عرصه تعلیم و تربیه برخوردار می باشند."

- آموزش اشخاص دارای نیازمندی های خاص
  ماده پانزدهم:
  " اطفال و بزرگسالانی که نیاز به آموزش خاص دارند و به دلایل مختلف از آموزش عقب مانده اند، باید در سطوح مختلف و براساس قوانین مربوطه تعلیم برایشان فراهم گردد."

- مقاصد تعلیم و تربیه متوسطه (اولیه)
  ماده هجدهم:
  "مقاصد تعلیمات متوسطه (اولیه) عبارت اند از:

1. درک اصول و احکام اساسی دین مقدس اسلام و قوت بخشیدن ایمان و ارزش های اسلام. این قانون برای شاگردان غیرمسلمان استثنا قایل شده است.

2. قوت بخشیدن به احساسات اسلامی و روحیه وطن دوستی، وحدت، همبستگی ملی، عدالت،

برابری، همزیستی مسالمت آمیز، صلح دوستی، مدارا و اعتماد به نفس.

3. بهبود و تقویت احترام به بشریت و حقوق زنان

4. بلند بردن آگاهی شاگردان در مورد اهمیت حفاظت از محیط زیست و استفاده درست از آن.

5. قوت بخشیدن روحیه مسئولیت پذیری اجتماعی، پیروی از قانون، نظم و انضباط، رفتار اجتماعی، احترام به پدر و مادر، کلان ها، استادان، مدرسان، و سهم گیری موثر در خانواده، مکاتب و امور اجتماعی و روحیه همکاری، مهربانی و تعاون.

6. تقویت صحت فزیکی، اخلاقی، روانی و اجتماعی شاگردان

7. گسترش و تقویت برنامه های تربیت بدنی، و برنامه های فرهنگی و هنری در تطابق با ارزش های اسلامی

8. بهره مند کردن شاگردان از سواد و به وجود آوردن مهارت های خواندن، نوشتن، صحبت، و شنیدن زبان های ملی و بین المللی.

9. ایجاد و تقویت عادت و فرهنگ مطالعه

10. به دست آوردن معلومات عمومی در عرصه علوم اجتماعی و طبیعی

11. ایجاد و تقویت حس ابتکار، دانش اندوزی و مسئله شناسی و جستجوی راه حل های منطقی

12. آماده ساختن شاگردان برای معارف ثانویه"

- منع تنبیه بدنی و روانی:
ماده سی و نهم:
" هر نوع تنبیه فزیکی و روانی شاگردان، حتی برای اصلاح و یا تأدیب، ممنوع است. زیر پا گذاشتن این قانون پی گرد قانونی دارد."

به سوی آموزش برای همه:[3]

برای تحقق اهداف آموزش برای همه، وزارت معارف در نظر دارد الی سال 1389(2010) فیصدی خالص ثبت نام را تا 75% برای پسران و 60% برای دختران افزایش بدهد. بدین منظور، حدود 5000 مکتب جدید در پنج سال آینده ساخته خواهد شد.

گذشته از این، وزارت معارف متعهد به تأمین دسترسی برابر به معارف بین دختران، کوچی ها، اطفال متعلق به اقلیت های قومی، لسانی و دینی، و اطفال دارای توانایی ها و معلولیت های متفاوت می باشد. وزارت معارف همچنین متعهد به ایجاد فرصت تعلیم (از جمله ایجاد کودکستان) برای اطفال خوردسال و یا بزرگسال محروم از مکتب می باشد.

3- وزارت معارف (2008). " انکشاف معارف- گزارش ملی جموری اسلامی افغانستان." صفحه 15.

وزارت معارف، در گزارش جدیدی که در چهل و هشتمین نشست کنفرانس بین المللی معارف در جنوا ارائه کرد، بر این نکته اذعان داشت که آموزش در محیط فراگیر و دوستانه: "*راهی است برای بهبود مکاتب که تضمین می کند استراتیژی های* آموزش برای همه *در حقیقت برای همگان می باشد"*.[4]

این نکته را باید در برنامه ها و پروژه هایی که از سوی دو یا چند منبع و همچنین سازمان های بین المللی غیردولتی تمویل می شوند، نیز در نظر گرفت. اکثریت این ابتکارات با وجود اینکه از برنامه های آموزش برای همه حمایت می کنند، اما گاهاً فلسفه های متفاوت و عمدتاً متناقضی از آموزش ارائه می کنند که باعث آشفتگی در سیستم و تشکیلات معارف دولتی می گردد.

تعداد زیادی از پروژه ها نام نویسی دختران را حمایه می کنند اما به خوبی و به گونه فعال زمینه دسترسی دختران دارای معلولیت را به تعلیم و تربیه فراهم نمی کنند. برنامه های دیگر از ایجاد مکاتب خصوصی و نیمه خصوصی برای طبقه نخبه (از لحاظ اقتصادی، فکری و یا اجتماعی)حمایت می کنند، بدون اینکه از دسترسی اطفال فقیر و اطفال مهاجران نسل اول به فرصت ها و بورس های تحصیلی اطمینان به عمل آورند. با این همه، ما شاهد موارد بیشماری از همکاری نزدیک میان تمویل کنندگان و دفاتر دولتی و نیز هماهنگی ابتکارات مربوط به ارتقای شیوه ها و رویکردهای فراگیر، دوستانه و متنبی بر حقوق در عرصه تعلیم و تربیه بوده ایم.که از میان آنها می توان به تأسیس گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر اشاره کرد.

[4]- International Symposium on inclusion and the Removal of Barriers to Learning, Development and Participation (2005). “Recommendations.” URL: www.idp-europe.org/symposium (19.11.2008)

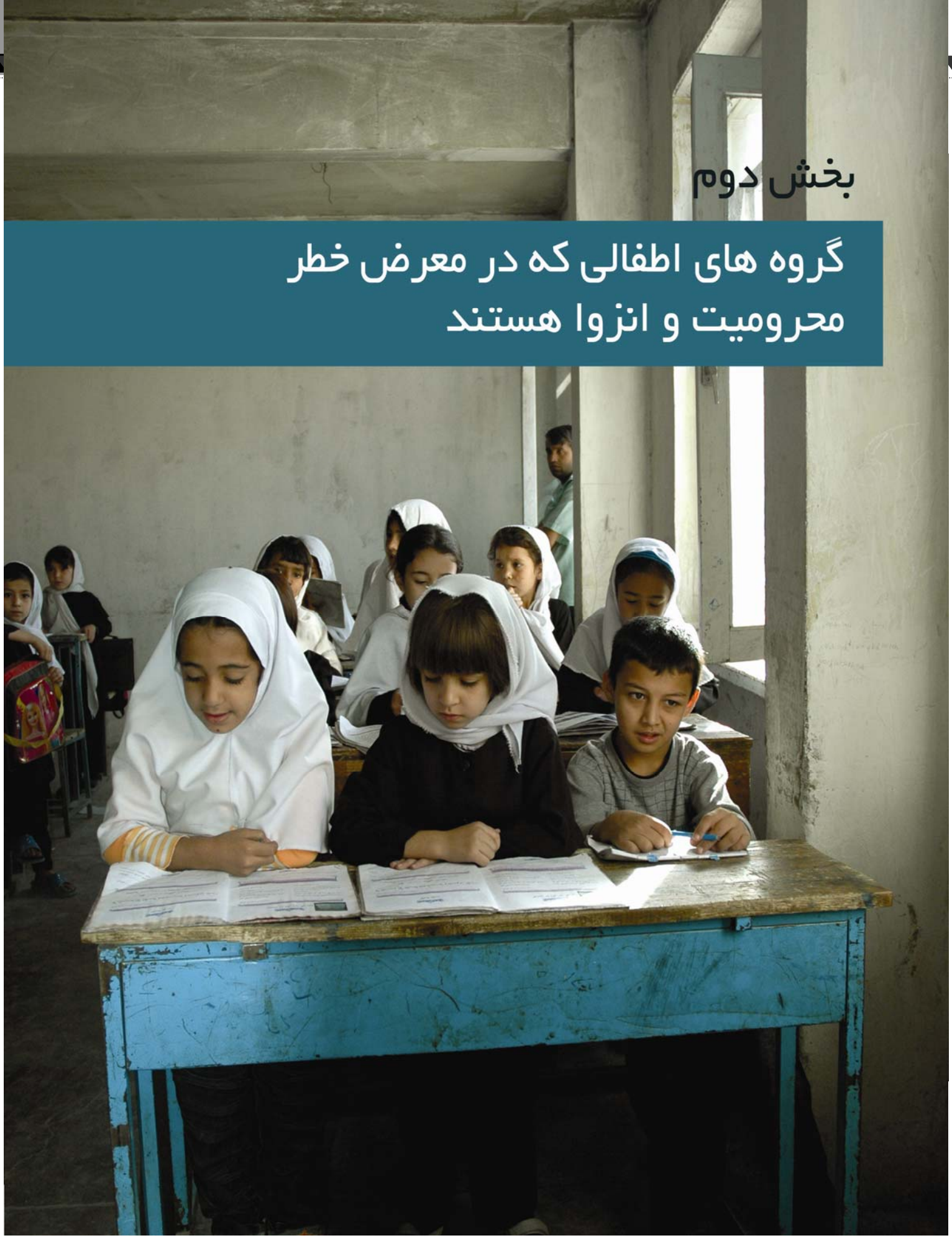

بخش دوم

گروه های اطفالی که در معرض خطر محرومیت و انزوا هستند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

- ضایعه/معلولیت رشدی یا عقلی
- اوتیسم
- ضایعه/معلولیت در تکلم

هر متعلمی که دارای ضایعات چندگانه باشد، نیازمندی های خاص خود را دارد. موانع فراروی اطفال دارای دو یا بیشتر از دو مورد از ضایعات فوق، غالباً پیچیده تر و شدید تر از مشکلاتی است که توسط اطفال دچار یک نوع ضایعه/معلولیت یا ترکیبی از سایر ضایعات (یعنی ضایعه/معلولیت شنوایی و اختلال کاهش توجه/اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، یا ضایعه/معلولیت جسمی و دیسلکسی) تجربه می شوند. هر کدام از ضایعات در یک طفل دارای ضایعات چندگانه، به شدت بر تأثیر دیگر ضایعات در او می افزاید.

ط. اطفال دارای ضایعات فزیکی(معلولیت جسمانی)

ضایعه/معلولیت جسمی یکی از رایج ترین معلولیت ها در بین اطفال معلول در افغانستان می باشد و دلیل اصلی آن صدمات ناشی از جنگ (انفجار ماین یا بمب یا برخورد با مواد منفلق نشده) می باشد. بسیاری از سازمان های دولتی و غیردولتی (ملی و بین المللی) و همچنین دفاتر ملل متحد دارای معلوماتی در رابطه با تعداد آن دسته از اطفال سن مکتب در افغانستان می باشند که دچار ضایعه/معلولیت جسمی هستند.

سروی سال 2005[39] میزان ضایعه/معلولیت جسمی بین اطفال در افغانستان را 1 فیصد یا 176.000 طفل بین سنین 0 تا 18 سال برآورد کرد. از آنجا که اطفال هنوز هم دست و پای خود را به دلیل انفجار ماین های زمینی باقی مانده از سی سال جنگ از دست می دهند، این رقم روز به روز در حال افزایش می باشد. اطفال همچنین دست و پای خود را در اثر حملات هوایی اخیر یا حملات انتحاری از دست می دهند.

کمبود غذا و همچنین دسترسی کم به خدمات حفظ الصحه نیز موجب می شود که هزاران طفل افغان دچار ضایعه/معلولیت جسمی شوند. ایجاد یک زخم کوچک هم در صورتی که به خوبی تداوی نشود می تواند منجر به از دست دادن پا و دست شود. کمبود غذا بر رشد فزیکی اطفال تأثیر منفی می گذارد و می تواند به کاهش دائمی تحرک و قدرت عضلات بیانجامد.

از این رو، ممکن است تعداد حقیقی اطفال دارای ضایعه/معلولیت جسمی (مشکل در جنبش عضلات) بیشتر از مقدار تخمین شده توسط سروی ملی معلولیت در افغانستان باشد.

عدم دسترسی فزیکی به ساختمان مکتب و همچنین عدم وجود وسایل جابجایی و تحرک (ویلچر و عصا) و مراقبت اورتوپدیک، عامل اصلی محرومیت اطفال دچارضایعه/معلولیت جسمی از تعلیم و تربیه رسمی می باشد.

ی. اطفال دارای مشکل نوشتن و خواندن (به شمول دیسلکسی)

اطفال دارای مشکل خواندن و نوشتن ممکن است گروه وسیعی از اطفال معلول را تشکیل دهند. مطابق به ارقام و احصائیه بریتانیا، 5 الی 20 فیصد اطفال سن مکتب مبتلا به این مشکل می

[39]- سروی ملی معلولیت در افغانستان

باشند.[40] با توجه به یافته های تحقیق ناروی، 10 الی 20 فیصد اطفال در مکتب دچار مشکل در خواندن و نوشتن می باشند.[41] باید تذکر داد که گفته می شود که این آمار و ارقام مبالغه آمیز هستند. مطابق به معلومات و تحقیقات بین المللی احتمال می رود که بیش از 10 فیصد اطفال سن مکتب در افغانستان دچار مشکل در خواندن و نوشتن باشند.

با وجود اینکه تعداد زیادی از اطفال (یا جوانان) دچار مشکل در خواندن و نوشتن می باشند، والدین اطفال، معلمان، سر معلمان، مدیران مکتب، مسئولین معارف و حتی آموزگاران و شاگردان کورس های تربیه معلم در افغانستان از وجود چنین وضعیتی بین اطفال آگاهی ندارند.

اطفال دارای مشکل در خواندن و نوشتن دچار موانعی در یادگیری ابعاد مختلف سواد و بعضاً محاسبه می باشند. در برخی موارد، این محدودیت ها ممکن است بر حافظه کوتاه مدت و فعال، سرعت پروسس، مهارت های ترتیب بندی، ادراک شنوایی یا بینایی، مکالمه و تحرک عضلات تأثیر بگذارند. اطفال مبتلا به دیسلکسی یا سایر مشکلات در خواندن و نوشتن ممکن است با مشکلات ذیل روبرو باشند:[42]

- ممکن است باهوش و توانمند به نظر برسند، اما نمی توانند افکار خود را روی کاغذ پیاده کنند
- در برخی زمینه ها از دیگران پیش هستند، به خصوص درامه، هنر و بحث
- هوش پرک بودن
- این اطفال با اجرای نقش ریشخند صنف سعی دارند ناکامی تحصیلی خود را بپوشانند.
- گوشه گیر و منزوی هستند، در آخر صنف می نشینند و در صنف مشارکت نمی کنند.
- بعضی اوقات می توانند یک کار را به خوبی انجام دهند اما کاملاً نمی توانند به خاطر بسپرند که توانایی انجام چه کارهایی را دارند
- وقتی که با آنها خیلی سریع صحبت می شود، منگ و خمار به نظر می رسند
- بعد از اتمام یک روز عادی که برای یادگیری انرژی زیاد مصرف کرده اند، خسته به خانه پس می آیند.
- زورگو و بدماش هستند

از این رو، اطفال دارای مشکلات در خواندن و نوشتن بخش بیشتر اطفالی را تشکیل می دهند که مکتب را ترک می کنند یا از مکتب اخراج می شوند. این اطفال نه تنها با محدودیت های فوق مواجه هستند، بلکه از طرف دیگر دارای توانایی های خاصی می باشند که به آنها کمک می کند بر برخی از محدودیت ها غلبه کنند، مانند: توانایی تجسمی-فضایی[43]، تفکر خلاق و ادراک شهودی.

---

[40]- International Dyslexia Association (2008). URL: http://www.interdys.org/ewebeditpro5/upload/Basics_Fact_Sheet_5-08-08.pdf (22.02.2009)
[41]- Gjemnes Municipality (2008). URL: http://www.pedit.no/gs/gjemnes/view.cgi?&link_id=0.62523.62563&session_id=0 (22.01.2009) and Dysleksiforbundet (2008). URL: http://www.dysleksiforbundet.no/ (22.01.2009)
[42]- British Dyslexia Association (2008). "Dyslexia Friendly Schools Campaign". URL: http://www.bdadyslexia.org.uk/downloads/wholedocument.pdf. (14.01.2008)

[43]- توانایی تجسمی-فضایی به قدرت درک و تجسم روابط فضایی بین اشیاء مربوط می شود که این توانایی برای حل پازل های جیگ سا ضروری است.

ک. اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی

یک مکتب دولتی ویژه برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی در کابل وجود دارد که 150 متعلم را پوشش می دهد. اکثر اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی که به مکتب می روند، در مکاتب تلفیقی (مدغم) و یا فراگیر شامل می شوند. این مکاتب از سوی تعدادی از سازمان های بین المللی دولتی و سازمان های محلی غیردولتی، سازمان های اطفال دارای معلولیت و همچنین دفتر ملل متحد حمایت می شوند. این سازمان ها در مورد تعداد اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی که در این مکاتب ثبت نام کرده اند، معلومات در اختیار دارند، اما با این وجود هم در مورد تعداد کلی این اطفال در افغانستان معلومات معتبر در دسترس نمی باشند. بر اساس آمار و احصائیه ها در سایر کشورهای دارای وضعیت مشابه با افغانستان، به طور تخمینی 1 الی 3 فیصد جمعیت اطفال دچار ضایعه/معلولیت بینایی می باشند.[44] حدود یک چهارم این اطفال نابینا (کور) هستند، در حالی که سه چهارم آنها دارای قوه بینایی ضعیف می باشند. بسیاری از این اطفال که دارای میزانی از بینایی بودند، توانستند به کمک عملیات جراحی بینایی خود را به صورت کامل بازیابند. این کار باعث شد که محدودیت های فراروی این اطفال در عرصه های یادگیری، رشد و مشارکت کاهش یابد و از محرومیت احتمالی آنها از تعلیم و تربیه جلوگیری شد.

ضایعه/معلولیت بینایی یک اصطلاح وسیع است که برای اشاره به نابینایی کامل یا نابینایی نسبی استفاده می شود:

- شخص نابینا شخصی است که دارای درجه کامل نابینایی یا درجه بالایی از نابینایی (کم بین) باشد. حدود 18 فیصد اطفال نابینا به طور کامل نابینا هستند، در حالی که 82 فیصد باقیمانده می توانند روشنایی را از تاریکی تشخیص دهند.[45]
- شخص دارای بینایی کم، شخصی است با دقت دید، درجه حساسیت کانترست (Contrast Sensitivity) و ساحه بینایی بسیار پایین یا همه این موارد. بینایی کم به از دست دادن نسبی بینایی اشاره دارد که توسط تجهیزات بصری عادی (عینک یا لنز چشم) قابل علاج نمی باشد.

این اطفال در زمینه های ذیل دچار مشکلات می باشند:

- جهت یابی (به طور مستقل گشتن در محیط ماحول)
- درک و استفاده از تغییر چهره و حرکات بدن در مفاهمه و؛
- برقراری روابط نوشتاری (زیرا اکثر افرادی که با آنها ارتباط دارند از نوشته های عادی استفاده می کنند نه خط بریل یا خط برجسته)

---

[44]- Kalikivayi, V. / Naduvilath, T.J. / Bansal, A.K. / Dandona, L (1997). "Visual impairment in school children in Southern India." Hyderabad: Indian Journal of Ophthalmology, Volume 45, Issue 2, p.129–134. URL: http://www.ijo.in/article.asp?issn=0301-4738;year=1997;volume=45;issue=2;spage=129;epage=134;aulast=Kalikivayi (17.11.2008)

[45]- BBC (2007). "What is the Definition of Blindness". URL: http://www.bbc.co.uk/health/conditions/blindness1.shtml. (10.01.2008)

ل. سایر موارد

علاوه بر معلولیت هایی که در بالا به آن اشاره شد، تعدادی از معلولیت های دیگر نیز وجود دارد که تعداد زیادی از اطفال در افغانستان به آن دچار می باشند و سبب انزوا و محرومیت آنها از تعلیم و تربیه رسمی می شود که عبارتند از:

- آسم: وضعیت صحی است که بر سیستم تنفس و ایمنی بدن تأثیر می گذارد. اطفال متبلا به آسم عمدتاً بیشتر از سایر اطفال، در معرض سرماخوردگی یا ابتلا به انفلوانزا قرار دارند.
- بی اشتهایی (انورکسی)، گرسنگی بیش از حد (Bulimia) و اختلال در خوراک
- شکاف کام (Cleft lip) (کام چاک و لب چاک)
  یک نوع ضایعه/معلولیت ارثی (مادرزادی) است که بر لب بالایی و کام تأثیر می گذارد. علائم این بیماری عبارتند از ایجاد شکاف کوچک در لب و بریدگی (شیار) ای که در سقف دهان یا بینی امتداد می یابد. این بیماری بر شکل چهره فرد مبتلا تأثیر می گذارد و می تواند سبب بروزمشکلاتی در خوردن، صحبت کردن و آلودگی گوش شود.
- دیابت (مرض شکر)
  سندروم اختلال متابولیسم که سبب بالا رفتن فشار شکر خون به طور غیرعادی می شود.
- نارساگویی (Dysarthria)
  اختلال در تکلم
- اختلال در محاسبه (Dyscalculia)
  ناتوانی در توانایی محاسبه و پروسس سریع محاسبات ریاضی
- (Dysfluency)
  از این معلولیت با نام لکنت زبان نیز یاد می شود.
- ناتوانی در نوشتن (Dysgraphia)
  ایجاد ضایعه/معلولیت در توانایی نوشتن و بیان افکار به طور کتبی
- هموفیلی (Haemophilia)
  یک نوع بیماری ارثی است که در آن جریان لخته شدن خون مختل می شود.
- هپاتیت(Hepatit)
  صدمه رسیدن به جگر در اثر بیماری های ویروسی
- اچ آی وی
  ویرویس کمبود ایمنی بدن
- مالاریا (Malaria)
  پشه ناقل بیماری پارازیتی (انگلی)
- حمله به خواب (Narcolepsy)
  یک نوع اختلال در سیستم خواب در مغز
- مشکلات اجتماعی-عاطفی (Social-Emotional Difficulties)
  وضعیت هایی که بر رشد اجتماعی، عاطفی و رفتاری تأثیر می گذارند.
- وز وز کردن گوش (Tinnitus)
  شنیدن صدا در سر یا گوش از منبع غیربیرونی
- سندروم تورت (Tourette's Syndrome)
  وضعیت مزمن است که بر تحرکات، رفتار و همچنین اظهار نظر شفاهی و اظهار نظر توسط صورت تأثیر فرد مبتلا تأثیر می گذارد.

تعداد اطفال دارای معلولیت در افغانستان

در رابطه با میزان معلولیت و تعداد اطفال دارای معلولیت در افغانستان معلومات جامع موجود نیست. ارقامی هم که در این گزارش آمده است، تخمینی هستند و مبتنی بر آمار بدست آمده از سروی ملی معلولیت در افغانستان و همچنین تحقیق بین المللی می باشند که در آن شرایط خاص افغانستان نیز مد نظر قرار گرفته است. این آمار شامل میزان معلولیت های ناشی از جنگ، دسترسی محدود به خدمات صحی، سوء تغذیه یا کمبود تغذیه و همچنین ازدواج فامیلی می باشد؛این عوامل باعث افزایش میزان برخی از معلولیت ها می شوند.

سروی معلولیت سال 2005 یک سروی جامع در سطح خانواده ها بود که ابعاد مختلف معلولیت در آن مد نظر قرار گرفت (صحت، تعلیم و تربیه، معیشت، اشتغال، درآمد و غیره. میزان اشخاص دارای معلولیت مطابق با سروی مذکور 2.7 فیصد می باشد.

"با وجود این هم، اگرچه سروی معلولیت در افغانستان تخمین می کند که 2.7 فیصد جمعیت افغانستان باید به طور عاجل تحت پوشش پالیسی ها و برنامه های مربوطه دولت قرار گیرد، اما اگر اشخاص دارای معلولیت کمتر را هم در نظر بگیریم، میزان معلولیت در افغانستان از رقم مذکور فراتر خواهد رفت. با بهبود دانش موجود از معلولیت و همچنین عرضه خدمات اولیه، میزان بیشتری از معلولیت شناسایی و مورد توجه قرار خواهد گرفت، از این رو میزان معلولیت بالاتر از رقم مذکور تشخیص داده خواهد شد".[46]

بنابراین، ارقام، احصائیه ها و تحقیقاتی که در این گزارش به آن اشاره می شود، چیزی فراتر از تعاریف سنتی و قدیمی از معلولیت را تحت پوشش قرار می دهند. [این تحقیق نشان می دهد که] میزان شیوع انواع مختلف معلولیت، بدلیل اینکه تخمین ما از تعداد معلولین دقیق تر و کامل تر است، بیشتر از میزانی است که در مطالعات و تحقیقات قبلی گزارش شده است. اطفالی که میزان معلولیت آنها کمتر است هنوز با مشکلاتی در زمینه های یادگیری، رشد و مشارکت در سیستم فعلی مکتب مواجه می باشند. از این رو ما در تخمین تعداد اطفال دارای معلولیت، از سطح پایین تر و [در عین حال دقیق تری] نسبت به مطالعات قبلی در افغانستان آغاز کرده ایم.[47] اگر مکاتب موجود در افغانستان به مکاتب فراگیر و دوستانه برای اطفال تبدیل شوند، تعداد اطفال دارای معلولیت نیزکاهش خواهد یافت، چون بنا به تعریف سازمان جهانی صحت/ دسته بندی بین المللی عملکرد و صحت، معلولیت "به وضعیت منتج از تعامل بین فرد معلول و محدودیت های محیطی و نگرشی فراروی او اطلاق می شود."[48]

با توجه به تعریف ارائه شده توسط «دسته بندی بین المللی عملکرد و صحت»، طفل دارای ضایعه/معلولیت بینایی که به مواد آموزشی در قالب الفبای بریل، حمایت آموزشی، چوت برای انجام عملیه های ریاضی، و سلیت (slate) و قلم ستایلس (stylus) برای نوشتن الفبای بریل دسترسی نداشته باشد، به دلیل موانع محیطی که برای او وجود دارد، یک شخص معلول به شمار می رود. معهذا، طفلی که دارای ضایعه/معلولیت جسمی است، برای تحرک از ویلچر استفاده می کند، در مکتبی درس می خواند که دارای سطح مایل (مخصوص معلولین) و همه نوع امکانات صحی است و پذیرای **تمام** اطفال است، تنها یک طفل "دارای ضایعه/معلولیت " قلمداد می شود اما الزاماً دارای معلولیت نیست، چون او در زمینه

[46]- سروی ملی معلولیت در افغانستان (2005)، جدول 1، ص 7، Handicap International (2006).
[47]- سروی خوشه ای چند شاخصه (2003) (Multi Indicator Cluster Survey)، ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملیف و سروی ملی معلولیت در افغانستان (2005).
[48]- Disabled People International (2005). "DPI Position Paper on the Definition of Disability". URL: http://v1.dpi.org/lang-en/resources/details.php?page=74 (15. November 2007)

یادگیری، رشد و مشارکت با هیچ گونه محدودیت محیطی یا نگرشی مواجه نمی باشد.

بعلاوه، تعداد کمی از تحقیقات انجام شده به مشکل خواندن و نوشتن_ که بین 10 فیصد از اطفال (و جوانان) وجود دارد یا اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت که در میان 4 فیصد جمعیت اطفال وجود دارد توجه می کنند.

همچنین، وضعیت های صحی معلول کننده ای هم وجود دارند که اطفال و دسترسی آنها به تعلیم و تربیه را تحت تأثیر قرار می دهند. این مشکلات صحی بر چانس کامیابی این اطفال در مکتب و راهیابی به صنف بالاتر و همچنین راهیابی به سطح ثانویه نیز تحت می گذارند.

بسیاری از این اطفال به دلیل وضعیت صحی شان برچسب می خورند. ممکن است پدر و مادر سایر اطفال نگران باشند که بیماری صرع و هموفیلی مسری باشند و اطفال خود را از اطفال مبتلا به این بیماری ها دور نگاه کنند. اطفال مبتلا به بیماری شکاف کام عمدتاً مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و علاوه بر مشکلات طبی از نداشتن عزت نفس رنج می برند. این مسئله در غالب موارد منجر به گوشه گیری و محرومیت آنها می شود مگر اینکه آنها به عملیات جراحی مناسب دسترسی پیدا کنند.

اطفال مبتلا به آسم در خانه باقی می مانند و بیشتر از بسیاری از اطفال دیگر از مکتب محروم می شوند، چون آنها در فصل زمستان بیشتر در معرض سرماخوردگی یا ابتلا به انفلوانزا قرار دارند و در جریان بهار و تابستان حساسیت زیادتر به الرژی دارند. بسیاری از اطفال مبتلا به آسم در مشارکت در فعالیت سپورتی و تفریحی دچار مشکل هستند و به همین خاطر اکثراً هم در مکتب و هم در جامعه گوشه گیر می شوند. اطفال مصاب به مرض اچ آی وی (اطفال مبتلا به اچ آی وی یا اطفالی که پدر و مادر یا سایر اعضای فامیل آنها اچ آی وی مثبت دارند) عمدتاً از تبعیض و محرومیت از مکتب و زندگی اجتماعی، رنج می برند.

چارت ذیل تخمین هایی در مورد میزان شیوع معلولیت در میان اطفال بین سنین 0 تا 18 سال و همچنین تعداد اطفال دارای معلولیت و وضعیت های صحی معلول کننده در افغانستان، ارائه می کند:

گروه های دارای معلولیت	نسبت تخمینی	تعداد تخمینی اطفال بین سنین 0 تا 18 سال
اطفال مبتلا به اختلال کاهش توجه/اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت	4%	704,000
اطفال مبتلا به اوتیسم	0.75%	132,000
اطفال مبتلا به فلج مغزی	0.25%	44,000
اطفال مبتلا به نابینایی-ناشنوایی	0.01%	1,760
اطفال دچار ضایعه/معلولیت رشد دماغی	1%	176,000
اطفال مبتلا به صرع	1%	176,000
اطفال دچار ضایعه/معلولیت شنوایی	2%	352,000
اطفال دچار ضایعات چندگانه	0.01%	1,760
اطفال دچار ضایعه/معلولیت جسمی	1%	176,000
اطفال دچار مشکلات در خواندن و نوشتن	10%	1,760,000
اطفال دچار ضایعه/معلولیت بینایی	1%	176,000
سایر معلولیت ها و وضعیت های صحی معلول کننده	2%	352,000

10. دختران

پس از اخراج طالبان از افغانستان در سال 2001، تعلیم و تربیه دختران از نو وارد جامعه شد و میلیون ها دختر در مکاتب ابتدائیه و ثانویه شامل شدند.[49] امروز بیش از 2 میلیون دختر در مکاتب ابتدائیه و ثانویه در سراسر افغانستان ثبت نام کرده اند. با این همه، از آنجا که آخرین احصائیه از نفوس افغانستان بیش از 20 سال پیش انجام شد، متأسفانه در رابطه با تعداد کلی دختران (یا پسران) سن مکتب در افغانستان، معلومات معتبر در دسترس نمی باشد. به همین خاطر، میزان ثبت نام دختران در مکاتب ابتدائیه و ثانویه مبتنی بر تخمین هایی است که اکثر آنها با یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه دارند.[50] در سال 2008، وزارت معارف تخمین کرد که حداقل 50 فیصد دختران سن مکتب در حال حاضر در مکاتب شامل شده اند.[51]

در سال های گذشته، دولت افغانستان بیش از 38.000 معلم اناث را استخدام کرده است.

با این همه، توزیع و دسته بندی جغرافیایی معلمان اناث و خدمات تعلیمی برای دختران هنوز هم هم یک مسئله است، چون:[52]

---

[49]- پیش از این دولت طالبان که طی سال های قبل از 2001 بر بخش عمده افغانستان یا کل آن حکومت می کردند، به دختران اجازه رفتن به مکتب نمی دادند.

[50]- میزان اختلاف بین معلومات بدست آمده از دفتر احصائیه مرکزی، سروی های تحت حمایت دولت و دفاتر ملل متحد، بین 50 الی 70 فیصد می باشد. از این رو، هیچ کدام از این معلومات صحیح نمی باشند.

[51]- وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان." ص 37.

[52]- معلومات دریافت شده از وزارت معارف [26.04.2009] از طریق ایمیل، معلومات حاصله از سروی مکاتب 1386 و معلومات حاصله از سیستم معلوماتی اداره معارف،

- 51 فیصد معلمان اناث مکاتب ابتدائیه و 70 فیصد معلمان اناث مکاتب ثانویه در پنج شهر بزرگ افغانستان (کابل، بلخ، هرات، بغلان و جوزجان) در حال فعالیت می باشند؛
- 90 فیصد ولسوالی های افغانستان (328 ولسوالی از 364 ولسوالی) دارای لیسه اناث نمی باشند؛
- 13 فیصد ولسوالی ها (48 ولسوالی از 364 ولسوالی) دارای معلم اناث نمی باشند؛
- 16 فیصد ولسوالی ها (58 ولسوالی از 364 ولسوالی) دارای یک یا دو معلم اناث می باشند؛
- حدوداً 95 فیصد معلمان اناث دارای تحصیلات عالی (4801 نفر از 5062 نفر) در مراکز نه ولایت عمده کشور (یعنی کابل، بلخ، هرات، فاریاب، بدخشان، ننگرهار، بغلان، کندوز و تخار) مشغول کار می باشند؛
- 84 فیصد از فارغین اناث از دارالمعلمین (صنف 14) در همین نه شهر کشور مشغول تدریس هستند؛ و
- 49 فیصد فارغین اناث صنف 12 در همین نه شهر کشور مشغول تدریس هستند.

باید توجه داشت که بدون وجود معلمان اناث، به بسیاری از دختران اجازه رفتن به مکتب داده نخواهد شد، مخصوصاً در مکاتب ثانویه و لیسه ها. بدین سبب، در بسیاری از موارد به مردان اجازه درس دادن به دختران داده نمی شود. هزاران مکتب (برای دختران و پسران) ساخته یا بازسازی شده اند، چنانکه زیربنای مکاتب بدیل جنگ و بی توجهی به شدت خراب شده بود.

علیرغم تلاش های قابل ملاحظه ای که تا حال صورت گرفته است، هنوز هم دختران در میان اطفالی قرار دارند که بیش از همه در معرض محرومیت از تعلیم و تربیه در افغانستان قرار دارند. در بخش هایی از کشور، هنوز هم این خطر برای دختران وجود دارد که اگر به مکتب بروند مورد حملات جانی قرار بگیرند. یکی از بی رحمانه ترین مواردی که اخیراً رخ داد، پاش دادن تیزاب به روی تعدادی از متعلمین دختر 12 ساله در کندهار در اوایل نوامبر 2008 بود. این حمله کشور و کل جهان را تکان داد. هنوز هم موارد دیگری وجود دارد که متعلمین اناث و معلمان شان به خاطر طلب حق قانونی و معنوی شان برای دسترسی به معارف کشته و یا معلول می شوند.

در بخش هایی از افغانستان، سنت ازدواج اطفال و جوانان یکی از دیگر عواملی است که بسیاری از دختران را از تکمیل تحصیلات ابتدایی و ثانوی بازمی دارد. 40 فیصد دختران در افغانستان قبل از رسیدن به سن 18 سال شوهر داده می شوند و یک سوم آنها پیش از رسیدن به سن قانونی صاحب طفل می شوند.[53]

در افغانستان، به مانند اکثر کشورهای دیگر، دختران دارای معلولیت، دختران کارگر، دختران روی سرک، دختران متعلق به اقلیت ها، دخترانی که مورد بی توجهی و سوء استفاده قرار گرفته اند، غالباً به میزان دو برابر یا سه برابر مورد محرومیت قرار می گیرند.[54]

11. اطفال کوچی

گروه دیگری از اطفال، هم دختران و هم پسران، که به میزان گسترده ای از رفتن به مکتب محروم می شوند، اطفال کوچی هستند.
ریاست مستقل امور کوچی ها تخمین می نماید که تعداد کلی جمعیت کوچی ها بین 2 الی 3 میلیون نفر

[53]- UNICEF (2008). "UNICEF and partners come together to help reduce maternal mortality in Afghanistan." http://www.unicef.org/infobycountry/afghanistan_39281.html (17. September 2008)
[54]- وزارت معارف (2008)، "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان". ص 37.

است. همچنین بین 1 الی 1.5 میلیون نفر از جمعیت کوچی ها را اطفال بین سنین 0 تا 18 سال تشکیل می دهند. مطابق به تخمین های وزارت معارف، تنها 6.6. میلیون از پسران کوچی و 1.8 میلیون از دختران کوچی به مکتب می روند.[55]

"کوچی ها به طور بالقوه بزرگترین جمعیت آسیب پذیر در افغانستان می باشند".[56]

اطفال کوچی به دلیل شیوه زندگی کوچی خود عمدتاً در معرض محرومیت یا به حاشیه کشانده شدن قرار دارند. عامل دیگری که بر دسترسی این اطفال به مکتب تأثیر گذار است، منازعات فزاینده بر سر اراضی است. در طول ماه های زمستان، هنگامی که بسیاری از کوچی ها برای فرار از زمستان های پرمشقت کوهستان ها به ساحات پست تر و غالباً پرنفوس نقل مکان می کنند، بین آنها و باشندگان این ساحات بر سر اراضی منازعه و دعوا صورت می گیرد. مکاتب در اکثر مواقع مزدحم بوده و همیشه پذیرای اطفال کوچی نمی باشند. لسان و فرهنگ موجود در مکتب هم از لسان و فرهنگ کوچی ها متفاوت است و این مسئله در غالب موارد به تبعیض علیه اطفال کوچی منتهی می گردد.[57]

12. اطفال کارگر

در رابطه به تعداد حقیقی اطفال کارگر در افغانستان معلومات موجود نمی باشد. اما ما می دانیم که تعداد زیادی از اطفال کارگر وجود دارند و بسیاری از آنها تحت شرایط طاقت فرسا کار می کنند. برخی از اطفال قبل و بعد از مکتب و غالباً برای تأمین مصارف مکتب شان کار می کنند،[58] در حالی که برخی دیگر از اطفال به جای رفتن به مکتب کار می کنند. 74 فیصد اطفال که به طور تمام وقت در کابل کار می کنند، بین سنین 4 تا 11 سال شروع به کار کرده اند. این اطفال تجربه کم از مکتب رفتن داشته اند یا اینکه اصلاً به مکتب نرفته اند.[59] 96 فیصد از اطفال به دلیل فقر و فقر اقتصادی خانواده خود کار می کنند.[60] 75 فیصد این اطفال بیش از 6 ساعت در روز را کار می کنند. 34 فیصد اطفال 9 الی 16 ساعت در روز کار می کنند. شرایط این کارها برای هر فرد کارگری غیرقابل قبول می باشند، اما برای اطفالی که به رشد کامل از نظر فزیکی، اجتماعی و احساسی نرسیده اند، زیانبخش هستند. 36 فیصد اطفال کارگر در کابل به هیچ شکلی از تعلیمات مکتب دسترسی ندارند و قادر به خواندن و نوشتن نیستند.[61] اطفال کارگری که به مکتب می روند، دائماً غیرحاضر بوده و از این رو بیشتر در معرض ناکام شدن در امتحانات می باشند و متعاقباً ترک تحصیل می کنند یا از مکتب اخراج می شوند.

" حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که طفل استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای صحت جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود."

اکثر اطفال دختر کارگر در کابل مصروف کارهای خانگی (مانند قالین بافی و خیاطی) می باشند، در حالی که بقیه آنها روی سرک، در فابریکه ها، نانوایی ها و دوکان ها کار می کنند. 75 فیصد اطفال کارگر پسر روی سرک یا در کارهای صنعتی مانند ورکشاپ های فلزکاری و خشت پزی کار می کنند. مطابق به

---

[55]- پلان استراتیژیک ملی معارف برای افغانستان (2007). ص 30. کابل: وزارت معارف- جمهوری اسلامی افغانستان.
[56]- The Embassy of Afghanistan – Tokyo. "The Kuchis (The Afghan Nomads)". URL: http://www.afghanembassyjp.com/en/life/?pn=29 (30.11.2008)
[57]- وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان.". ص 41.
[58]- War Child Holland (2008). "Draft Report of Children Working in the Streets." (اطفال جنگ هالند (2008). "گزارش پیش نویس اطفال کارگر روی سرک".
[59]- Altai Consulting (2008). "A Rapid Assessment on Child Labour in Kabul." p. 3.
[60]- کمیسیون مستقل حقوق بشرافغانستان. "مروری بر وضعیت اطفال کارگر در افغانستان- گزارش تحقیقاتی." ص 19.
[61]- Altai Consulting (2008). "A Rapid Assessment on Child Labour in Kabul." p. 3.

سروی اخیری که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام شد، از میان بیش از 18.000 طفل کارگر، حدود 86 فیصد ذکور و 14 فیصد اناث بودند. اطفال کارگر پسراز آنجا که در خارج از خانه های شان کار می کنند، بیشتر به چشم می خورند، این در حالی است که تخمین دقیق تعداد اطفال کارگر دختر کار دشواری است، زیرا آنها بیشتر در فعالیت ها و صنایع خانگی مشغول به کار می باشند.[62]

[62]- وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان". ص 38.

بخش سوم
تعلیمات فراگیر- وضعیت فعلی

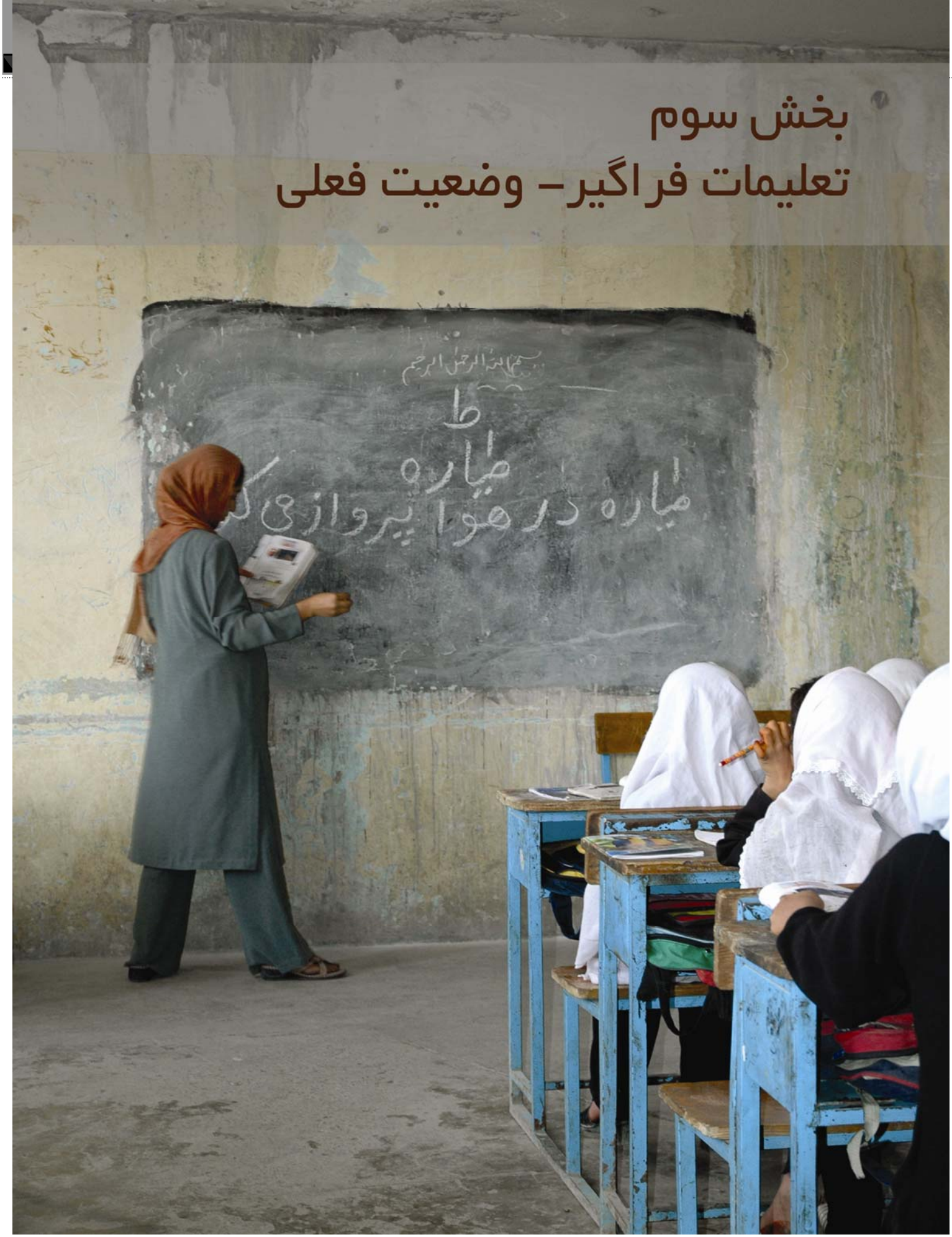

بخش سوم
تعلیمات فراگیر- وضعیت فعلی

در سروی ملی معلولیت افغانستان که در سال 2006 انجام شد، چنین تخمین شد که 37.5 فیصد کلیه اطفال بین سنین 7 تا 13 سال در افغانستان از تعلیم و تربیه رسمی محروم می باشند. تنها 32 فیصد اطفال دارای معلولیت[63] که بین سنین 7 تا 13 سال بودند، در مکاتب رسمی ثبت نام کرده اند. در همین گزارش تخمین زده شد که تنها 48 فیصد دختران در مکاتب شامل هستند. در عین حال، در گزارش جهانی نظارت بر آموزش برای همه چنین ذکر شده است که میزان خالص شمولیت در افغانستان، بین 82 الی 96 در میان پسران و 67 فیصد در میان دختران در سال 2008 می باشند.[64] این ارقام مبتنی بر معلومات بدست آمده در سال 2005 می باشند. اما هیچ کدام از این احصائیه ها و ارقام قابل اعتماد نیستند. هم تعداد اطفال دارای معلولیت و هم میزان شمولیت در مکاتب شامل تعداد زیادی از اطفال بزرگسالی می شود که در مکاتب ابتدائیه نام نویسی کرده اند. در یک مکتب مخصوص ناشنوایان واقع در کابل، متعلمین صنف 3 بین 9 الی 18 سال سن دارند. در مکاتب مخصوص نابینایان و همچنین در بسیاری از مکاتب عادی در سرتاسر افغانستان، وضعیت مشابه وجود دارد.

در افغانستان سیستم ثبت تولدات وجود ندارد. به همین خاطر مشکل است که در رابطه با میزان تولدات و سن اطفال، آمار و احصائیه دقیق ارائه شود. فقدان معلومات در این زمینه بر دقت احصائیه های مربوط به میزان شمولیت در مکاتب تأثیر می گذارد. چنانکه پیش از این ذکر شد، بیشتر از 20 سال می شود که در افغانستان یک احصائیه و سرشماری درست و مناسب انجام نشده است. آمارها و احصائیه های موجود، چه آنهایی که توسط دفتر احصائیه و چه آنهایی که توسط دفاتر ملل متحد نشر شده اند، تخمینی و مبتنی بر حدس و گمان ها می باشند.

بر اساس مطالعات و تخمین های دولت افغانستان، می توان گفت که حداقل 40 فیصد اطفال افغان، اعم از دختران و پسران، هرگز در مکتب ثبت نام نکرده اند یا اینکه پیش از تکمیل تعلیمات ابتدائیه، از مکتب اخراج شده اند یا ترک تحصیل کرده اند.[65]

بنابراین، تمرکز اصلی تعلیمات فراگیر در افغانستان روی افزایش میزان دسترسی به تعلیم و تربیه میان گروه های عمده و کلان اطفال و جوانانی است که در معرض محرومیت و به حاشیه کشانده شدن هستند، به بیان دیگر تعلیمات فراگیر عمدتاً روی بهبود کیفیت تعلیم و تربیه برای **همگان** متمرکز است.

الف. مفهوم سازی و دیدگاه تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال

بسیاری از همکاران کلیدی دولتی و غیردولتی، اساساً تعلیمات فراگیر را به مثابه شامل سازی اطفال دارای معلولیت در مکاتب عادی می نگرند. در حال حاضر در درون بسیاری از سازمان های دولتی و غیردولتی که در عرصه تعلیم و تربیه کار می کنند، یک برداشت و فهم گسترده تر از مفهوم تعلیمات فراگیر در حال شکل گیری می باشد. بر اساس این برداشت، تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال، یک وسیله موثر برای ارائه تعلیم و تربیه با کیفیت برای **همه** اطفال می باشد.
تعلیم و تربیه فراگیر و دوستانه برای اطفال را باید بدین گونه برداشت کرد:

---

[63]- در سروی ملی معلولیت افغانستان و گزارش STEPS (2006)، اصطلاح معلولیت به ضایعه رشد، ضایعه شنوایی ، ضایعه فزیکی و ضایعه بینایی اطلاق می گردد.
[64]. ص 280
[65]- وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان." ص 33.

- یک روش برای بهبود کل نظام مکتب است که تضمین می کند "استراتیژی های ملی تعلیم و تربیه برای همه" در واقعیت امر برای همگان می باشند؛
- وسیله ای است برای حصول اطمینان از اینکه تمام اطفال (به خصوص آنهایی که در حال حاضر از تعلیم و تربیه محروم بوده یا در معرض به حاشیه کشانده شدن در سیستم تعلیم و تربیه می باشند)، در اجتماعات و محل زندگی خود، از مراقبت و تعلیم و تربیه اولیه مناسب، به مثابه بخشی از برنامه های رشد و انکشاف اولیه اطفال و برنامه های تعلیمی پیش از مکتب، تعلیمات ابتدائیه و ثانویه بهره مند می باشند؛ و
- به مثابه یک عامل موثر بر انکشاف جامعه که به تفاوت های فردی میان کلیه شهروندان ارزش می گذارد.[66]

غالباً چنین به نظر می رسد که مفاهیم تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستانه برای اطفال برای کسب توجه و بودیجه بوجود آمده اند. در سطح بین المللی، مفهوم تعلیمات فراگیر زمانی مورد توجه قرار گرفت که یونسکو در سال 1994 در سالامانکا (اسپانیا) کنفرانسی را در زمینه تعلیم و تربیه برگزار کرد. مدتی پس از این کنفرانس، مفهوم مکاتب دوستانه برای اطفال توسط یونیسف و سازمان نجات اطفال مطرح شدند.

واقعیت این است که هیچ مکتبی نمی تواند "دوستانه طفل" باشد مگر اینکه به یک مکتب فراگیر مبدل گردد؛ هیچ مکتبی نمی تواند فراگیر باشد، مگر اینکه به یک مکتب دوستانه برای اطفال تبدیل شود.

با نگاهی به 6 جنبه مکتب دوستانه برای اطفال که توسط یونیسف ترتیب داده شده است، می توان این مسئله را درک کرد:

1. تعلیم و تربیه مبتنی بر حقوق، فراگیر و طفل- محور
2. تعلیم و تربیه موثر با تمرکز روی رشد و انکشاف فکری، اجتماعی، احساسی و فزیکی تمام اطفال
3. مکاتب سالم و مصون
4. توجه به مسائل مربوط به مفهوم جنسیت
5. نقش اجتماعات محلی و خانواده در تعلیم و تربیه
6. سیستم ها و پالیسی های دوستانه برای اطفال- سیستم های ارزیابی و سنجش، و سیستم های تعلیمی و حمایتی

اشکال مکاتب فراگیر و دوستانه برای اطفال از یک کشور به کشور دیگر، از یک منطقه به منطقه دیگر و از یک مکتب به مکتب دیگر متفاوت می باشند؛ چون نیازها، منابع و شرایط گوناگون می باشند؛ البته این مکاتب در هر جایی که باشند بنابر شش اصل مذکور ساخته می شوند.

ب. مکتب فراگیر چطور به نظر می رسد؟

آنچه در ذیل می آید، مشخصات اصلی مکاتب و اجتماعات فراگیر است:

- مکاتب پذیرای تمام اطفال در یک اجتماع هستند، بدون درنظرداشت جنسیت، معلولیت، وضعیت صحی و اچ آی وی، و سابقه اجتماعی، اقتصادی، قومی، مذهبی یا لسانی.

[66]- International Symposium on Inclusion and the Removal of Barriers to Learning, Development and Participation (2005). "Recommendation."
(کنفرانس بین المللی شمولیت در سیستم تعلیم و تربیه و رفع موانع آموزش، انکشاف و مشارکت (2005). "پیشنهادات و توصیه ها".

- اجتماعات و مکاتب فراگیر نه تنها با اصل تنوع مدارا می کنند، بلکه آن را به رسمیت می شناسند.
- اطفال متناسب با سرعت یادگیری و مطابق با توانایی خود می آموزند تا به رشد مطلوب تحصیلی، اجتماعی، احساسی و فزیکی برسند.
- اطفال دارای معلولیت و سایر نیازمندی های آموزشی خاص و همچنین والدین و معلمان آنها به سیستم های حمایتی خارجی و محلی دسترسی دارند و از این طریق می توانند اطمینان حاصل کنند که نیازهای خاص این اطفال به طور موثر مورد رسیدگی قرار می گیرند.
- اطفال و والدین آنها در پروسه آموزش مشارکت فعال دارند؛ بدین طریق که دانش و مهارت هایی که اطفال از خانه به مکتب می برند، در مکتب ارزش گذاری و به رسمیت شناخته می شود.
- نصاب تعلیمی، ارزیابی ها و امتحانات، منعطف و طفل- محور هستند و اطفال را به یادگیری و ایجاد حرمت نفس و اعتماد به نفس ترغیب می کنند.[67]

تکرار این نکته مهم است که مکاتب و سیستم معارف یک شبه نمی توانند فراگیر و دوستانه برای طفل شوند. تحقق چنین امری سالها را در بر می گیرد. چنانکه مکاتب و اجتماعات به بسیاری از محدودیت ها در زمینه های آموزش، رشد و انکشاف، و مشارکت حساس می شوند، مشکلات جدیدی بوجود می آیند و گروه های بیشتری از اطفال که در معرض محرومیت و به حاشیه کشانده شدن هستند، شناسایی می شوند. از این رو، مهم است که تمام همکاران و دست اندرکاران اصلی، به طور روشمند در راستای تحقق هدف مبنی بر ایجاد اجتماعات فراگیر به طور عام، و مکاتب و تأسیسات صحی و توانبخشی به طور خاص، با یکدیگر همکاری کنند.

ج. نصاب تعلیمی

نصاب تعلیمی مکتب در افغانستان، به مانند کشورهای دیگر، برای معلمان و مدیران مکتب، امکان انعطاف پذیری در تأمین رشد مطلوب فکری، اجتماعی، احساسی و فزیکی کلیه اطفال را فراهم نمی کند. معلمان در 12 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر در کابل،[68] ابراز داشتند که اطفال مجبور به یادگیری مضامین بسیار زیادی در سال های اول مکتب می باشند. فهم بسیاری از این مکاتب برای اطفال مشکل بوده و معلمان غالباً قادر به ربط دادن یک موضوع به موضوع دیگر نمی باشند، چون این کار اصلاً در مکاتب تمرین و تطبیق نمی شود.[69]

مسئله دیگری که در رابطه با نصاب تعلیمی مکتب وجود دارد، عدم مناسبت و تناسب آن با شرایط است. ارتباط و تناسب اندکی بین آموخته های اطفال در خانه، در مکتب و در مساجد وجود دارد. عدم تناسب تعلیم و تربیه در مکتب، باعث می شود که میزان اشتیاق و تمایل والدین برای فرستادن اطفال شان به مکتب کم باشد. این مسئله همچنین باعث می شود که اطفال در مکتب کمتر موفق باشند.

به نظر می رسد نصاب تربیه معلم نیز دچار فقدان کیفیت و تناسب است. افزون بر این، کمبود شدید منابع بشری در سازمان های تربیه معلم احساس می شود. این مسئله به طور کلی بر کیفیت تعلیم و تربیه معلم و همچنین ظرفیت فارغین این برنامه ها برای انطباق نصاب تعلیمی با نیازها، توانایی ها و شرایط شاگردان تأثیر می گذارد.

- تعلیم و تربیه پیش از دوره ابتدائیه

[67]- Watterdal, T. (2008). “Embracing Change.”

[68]- این پروژه با همکاری وزارت معارف، یونسکو و یونیسف تطبیق شد.

[69]- وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان." ص 35.

در حال حاضر، نصاب تعلیمی رسمی برای تعلیم و تربیه پیش از دوره ابتدائیه در افغانستان وجود ندارد. اخیراً یک بخش جدید تحت نام تعلیمات پیش از مکتب و فراگیر تأسیس شده است که ذیل ریاست انکشاف نصاب تعلیمی فعالیت می کند. با حمایت های تخنیکی یونسکو، فعالیت هایی جهت انکشاف نصاب تعلیمی جدید پیش از مکتب صورت گرفته است. اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر نیز در این پروسه دخیل می باشند.

تعداد کمی از پدران و مادران از اهمیت بازی خلاقانه و تأثیر آن بر رشد فکری، اجتماعی، احساسی و فزیکی اطفال آگاهی دارند. مطابق به سروی جدید دفتر حمایه اطفال، تنها 19 فیصد از مادران عقیده دارند که بازی برای بهبود قوه یادگیری اطفال مفید بوده و 4 فیصد باور دارند که بازی کردن طفل را برای آمادگی جهت رفتن به مکتب کمک می نماید؛ هیچ کدام از مادران مصاحبه شده از این نکته اطلاع نداشتند که بازی کردن می تواند به رشد شناختی اطفال شان کمک نماید.[70]

مراقبت و تعلیم و تربیه اولیه در دوران طفولیت دارای نقش و اهمیت اساسی در رشد اجتماعی، احساسی، فزیکی و فکری تمام اطفال می باشد. این عامل در رابطه اطفال دارای معلولیت، اطفالی که اولین عضو مکتب رونده در فامیل هستند و همچنین سایر اطفالی که در معرض محرومیت و انزوا قرار دارند، دارایی اهمیت بیشترمی باشد. بنابراین، مهم است که نصاب تعلیمی پیش از دوره ابتدائیه و همچنین پلان هایی برای مراقبت و تعلیم و تربیه دوران طفولیت، در برنامه های تعلیمی و توان بخشی که در سرتاسر افغانستان تطبیق می شوند، گنجانیده شوند.

- تعلیم و تربیه ابتدائیه و ثانویه

از نقطه نظر مطلوب، نصاب تعلیمی مکتب در سطوح ابتدائیه و ثانویه، برنامه های درسی و همچنین کتب مکتب بر اساس 6 بعد از ابعاد مکتب دوستانه برای اطفال انکشاف یابند(لطفاً لیست فوق الذکر را ببینید)

نصاب تعلیمی و برنامه درسی مکاتب ابتدائیه و ثانویه از طریق پروسه های مشورتی و ملی گسترده به ترتیب تا پایان سال های 1383 (2004) و 1386 (2007) تهیه شدند. متخصصین ملی و بین المللی نیز در این پروسه ها درگیر بودند. کار تهیه نصاب و برنامه آموزشی مطابق با اصول احکام قانون اساسی و بهترین شیوه ها در افغانستان و کشورهای دیگر انجام شد. مسائل مرتبط به شمول (اما نه صرفاً) جنسیت، حقوق بشر و مبارزه بامواد مخدر نیز در این نصاب لحاظ شده اند.

تهیه 100 عنوان کتاب درسی برای مکاتب ابتدائیه به هر دو زبان دری و پشتو تا پایان سال 1386 تکمیل شد. 44 عنوان از این کتاب ها، در سال 1384 (2005) و باقی آنها در سال 1387 (2008) نشر و عرضه شدند. کتب درسی مکاتب ابتدائیه بر اساس روش های درسی فعال، به صورت رنگه و با طرح های جذاب تر بر اطفال تهیه شده اند.

رهنمودهای معلمان برای صنوف 1 تا 3 با کمک جایکا و در حداقل یک مجموعه بین کلیه مکاتب توزیع شدند. تهیه رهنمودها برای معلمان برای صنوف 4 تا 6، مرحله آخر از این فعالیت بود. رهنمودهایی که برای معلمین تهیه شده اند، آنها را به خوبی در بهبود تدریس و پروسه یادگیری در

[70]- Save the Children. "Afghanistan." URL: http://www.savethechildren.org/countries/asia/afghanistan.html (23.11.2008)

مکتب کمک می نمایند.[71]

کتب درسی جدید و رهنمودهای معلمان برای مقطع ثانویه که مبتنی بر نصاب تعلیمی جدید مکاتب ثانویه می باشند، با کمک فنی سایر کشورها از جمله ایران تهیه شده اند. رئیس ریاست انکشاف نصاب تعلیمی، سه نسخه پیش نویس برخی از این کتاب های جدید را طی جلسه ای در اواخر سپتمبر 2008، برای سه نفر از اعضای گروه کاری انسجام نشان داد. مزیت این کتاب ها در این است که رنگه بوده و دارای طرح (دیزاین) های جذاب هستند. همچنین به نظر می رسد که این کتاب ها قابلیت بهبود تفکر انتقادی و یادگیری خلاق و متکی به خود را در میان شاگردان تقویت کنند.

شاید برای بسیاری از معلمان مشکل باشد که نصاب تعلیمی جدید را تطبیق و محتوای آموزشی و کاملاً متفاوت کتب جدید را مورد استفاده قرار دهند. کتب درسی جدید در سال 2009 ابتدا امتحان می شوند، سپس این کتاب ها مورد تجدید نظر قرار گرفته و در سال 2010 در سطح کل کشور عرضه خواهند شد. پیش از آزمایش کتب درسی، معلمین در مورد شیوه استفاده و کاربرد آنها آموزش خواهند دید.

مشکل عدم تناسب و ربط نصاب تعلیمی و کتب درسی هنوز هم یک مسئله است، چنانکه وضعیت و شرایط در بخش های گسترده افغانستان، بسیار متفاوت می باشد. بنابراین، غیر ممکن است که تنها یک مجموعه از کتب درسی پاسخگوی پیشینه ها/سوابق، نیازها و نگرانی های اطفال در سرتاسر افغانستان باشد. کتب درسی [فعلی] دارای محتوای آمرانه هستند، چنانکه معلمین بیشتر از روی کتب درسی درس می دهند تا نصاب تعلیمی و دلیل آن این است که نصاب تعلیمی به طور گسترده توزیع یا (حتی فهمیده) نشده است. سوالی که در اینجا قابل طرح است این است که آیا معلمین قادر هستند که محتوای غنی کتب درسی جدید را به واقعیت های افغانستان در بسیاری از اجتماعات افغانستان ربط بدهند؟

قانون اساسی افغانستان بر ارتقا و ترویج زبان های محلی تأکید کرده است. در این راستا، وزارت معارف سمیناری را به تاریخ 2 نوامبر 2006 ترتیب داد که در آن به بحث در مورد پالیسی تدریس زبان های محلی در ساحاتی که بدان تکلم می گردد، پرداخته شد. سیاستمداران، زبان شناسان و متکلمین بومی زبان های محلی نیز به این سمینار دعوت شدند. توصیه های عمده ای که در این سمینار ارائه شدند، عبارتند از:[72]

- وسیله (زبان) آموزش در مکاتب، با توجه به لسان اکثریت جمعیت محلی در ساحات مورد نظر، باید باید یکی از زبان های رسمی (دری یا پشتو) باشد.
- سایر زبان های محلی باید در قالب یک مضمون زبان جداگانه، در ساحاتی که بدان تکلم می شود، تدریس شوند اما نه به عنوان زبان تدریس مورد استفاده قرار گیرند.

توصیه های پیشنهادی قویاً و بخصوص از سوی متکلمین بومی لسان های محلی مورد حمایت قرار گرفت. اما این اشخاص بر این نکته اذعان داشتند که انتخاب زبان های محلی منحیث زبان آموزش، اقلیت های زبان را به حاشیه کشانده و از طرف دیگر معلمان قادر به تدریس کلیه مضامین به لسان های محلی نخواهند بود. در صورتی اطفال به سایر زبان های محلی (و نه دو زبان ملی دیگر) آموزش ببینند، آنگاه قادر به برقراری ارتباط به زبان رسمی نبوده و از این رو

[71]- بر اساس معلومات ایمیلی بدست آمده از وزارت معارف [18.04.2009]
[72]- بر اساس معلومات ایمیلی بدست آمده از وزارت معارف [18.04.2009]

از تحصیلات عالی که به هر دو زبان ملی ارائه می شوند، محروم خواهند شد.[73]

کتب درسی زبان برای 6 زبان محلی[74]برای صنوف 1 تا 12 در حال تهیه می باشند. کتب درسی زبان در مکاتب و ساحاتی که این لسان ها تکلم می شود، تدریس خواهند شد. آماده کردن معلمین محلی برای تدریس زبان محلی یک چالش عمده خواهد بود، زیرا آنها پیش از این هرگز به زبان محلی خود آموزش رسمی دریافت نکرده اند.

از این رو، اطفال متعلق به اقلیت های زبانی (حدود 30 تا 35 فیصد جمعیت) همچنان به زبان دری یا پشتو و نه زبان اول خودشان آموزش خواهند دید. از آنجا که این اطفال بر این دو زبان تسلط کم یا اینکه تسلط ندارند، ممکن است که یادگیری آنها تحت تأثیر قرار گرفته و همچنین چانس آنها برای کامیابی، در مقایسه با کسانی که به زبان اول شان آموزش می بینند، کمتر باشد.

اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی به مانند همسالان بینای خود به کتب درسی دسترسی نخواهند داشت، چنانکه میزان کمی از کتب درسی به خط بریل تهیه شده اند.

اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی نیز از تعداد کافی معلمانی که به زبان اشاره مسلط باشند، برخوردار نیستند. چالش دیگر فراروی ناشنوایان، فقدان علائم و نشانه ها است. حتی اگر فرهنگ جدید زبان اشاره[75]حاوی 4000 نشانه باشد، برای تدریس کل نصاب تعلیمی، بخصوص نصاب تعلیمی مکاتب ثانویه، کافی نخواهد بود. این مسئله امکانات و فرصت های اطفال و جوانان دارای ضایعه/معلولیت شنوایی را برای تکمیل موفقانه تعلیمات ثانویه و ورود به تحصیلات عالی محدود می سازد.

- تعلیمات اسلامی

بخش مهم پالیسی معارف دولت، ارائه تعلیمات اسلامی برای دختران و پسران است. کلیه متعلمینی که تعلیمات اسلامی را منحیث رشته خود انتخاب می کنند، باید به مدارس (صنوف 1 تا 12)، دارالحفاظ[76](صنوف 1 تا 12) و دارالعلم[77] های (صنوف 13 تا 14) با کیفیت دسترسی داشته باشند.

هدف عمومی تعلیمات اسلامی، ایجاد یک سیستم تعلیمی اسلامی مدرن و گسترده برای تمامی افغان های مسلمان می باشد.[78]

در حال حاضر یک مدرسه در هر ولسوالی و یک دارالعلم در هر ولایت در حال تأسیس می باشد.[79]انکشاف نصاب تعلیمی اسلامی مطابق با معیارهای ملی خواهد بود. متخصصین مطالعات

[73]- بر اساس معلومات ایمیلی بدست آمد از وزارت معارف [18.04.2009]
[74]. ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه ای، نورستانی و پامیری (واخی و سغنی)
[75]. فرهنگ جدید زبان اشاره توسط بخش مربوط به مکاتب پیش از ابتدائیه، تعلیمات فراگیر و نیازهای تعلیمی خاص و تحت نظر ریاست انکشاف نصاب تعلیمی (وزارت معارف) در نیمه اول سال 2009 و با حمایت سازمان اطفال جنگ هالند انکشاف یافته است.
[76]. این مکاتب عمدتاً روی تعلیم مطالعات اسلامی، حفظ و تلاوت قرآن شریف متمرکز هستند.
[77]. شاگردان تعلیمات اسلامی می توانند مطالعات خود را پس از تکمیل صنف 12 در مراکز عالی ادامه دهند. در این مراکز، آنها از مطالعات اسلامی تکمیلی به شکل مشابه با مدارس برخوردار می گردند. شاگردان در سطح ولسوالی در مدارس شرکت کرده و می توانند از آنجا به مراکز عالی که در مراکز ولایات وجود دارند، بروند.
[78]. وزارت معارف (2008)، "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان". ص 9.
[79]. وزارت معارف (2008)، "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان". ص 16.

اسلامی به همراه متخصصین سایر مضامین درسی روی انکشاف نصاب تعلیمی کار می کنند.

چند مکتب اسلامی فراگیر و دوستانه در جاوای مرکزی در اندونزیا تأسیس شده است. از این رو، در انکشاف نصاب تعلیمی جدید برای تعلیمات اسلامی در افغانستان، می توان از این ابتکارات در کشورهای جنوب شرقی آسیا منفعت جست.

- تعلیم و تربیه خاص

در حال حاضر در یک مکتب دولتی و هشت مکتب خصوصی خاص در افغانستان، نصاب تعلیمی رسمی برای شاگردان وجود ندارد. با این همه، بخش جدیداً التأسیس وزارت معارف تحت نام بخش تعلیمات پیش از دوره ابتدائیه و فراگیر که ذیل ریاست انکشاف نصاب تعلیمی فعالیت دارد، به تازگی انکشاف نصاب تعلیمی و مواد تدریس- یادگیری را برای تعلیمات خاص[80] را شروع کرده است. فعالیت این بخش از موارد ذیل شروع شد:

- تعلیم و تربیه برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی
- تعلیم و تربیه برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی
- تعلیم و تربیه برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی

این نصاب های تعلیمی و مواد تدریسی-یادگیری مبتنی بر نصاب تعلیمی اصلی بوده اما حاوی مضامین مشخص و یا دانش مربوط به اطفال دارای معلولیت (یعنی فعالیت های حیاتی روزمره، بریل، جهت یابی و تحرک، زبان اشاره و غیره) خواهند بود.

فقدان توان تولید بریل و همچنین کمبود نشانه ها برای تدریس بسیاری از مضامین نصاب تعلیمی، به خصوص علوم طبیعی و مطالعات اسلامی[81]، چالش ها و مشکلاتی برای تطبیق نصاب تعلیمی جدید بوجود می آورند.

مشکل اصلی در انکشاف نصاب تعلیمی برای مکاتب مخصوص اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی، فقدان قوای بشری شایسته است، چنانکه تنها یک مکتب خاص برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در افغانستان وجود دارد.

قابل ذکر است که کلیه اطفال سالم و اطفال دارای معلولیت باید به یک مکتب بروند و یک نصاب تعلیمی را تعقیب نمایند. بنابراین، در انکشاف نصاب تعلیمی برای مکاتب خاص یا تعلیم و تربیه مبتنی بر نیازهای خاص در مکاتب عادی باید نصاب تعلیمی عمومی مد نظر باشد. این نصاب های تعلیمی باید پس از مدتی تعدیل شده و توسط معلمین سیار برای اطفال دارای معلولیت در مکاتب فراگیر مورد استفاده قرار گیرند.

- تربیه معلم و تعلیم و تربیه

هیچ کدام از نصاب های تعلیمی در برنامه های تربیه معلم در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل (که معلمین را برای صنوف 10 تا 12 تربیه می کند)، کورس ها و دوره های تعلیمات فراگیر و دوستانه ارائه نمی کنند.

[80]. نصاب تعلیمی و مواد تدریس و یادگیری با همکاری اعضای گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و با حمایت تخنیکی یونسکو تهیه خواهد شد.
[81]. نقل شده توسط معلمین در یک مکتب مخصوص ناشنوایان در کابل.

فاکولته تعلیمات خاص در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل در سال 2005 و 2006 و با حمایت تخنیکی و مالی جایکا و پوهنتون Tsukuba تأسیس شد. این فاکولته دارای دو دیپارتمنت است که یکی مخصوص محصلین دارای ضایعه/معلولیت شنوایی و یکی مخصوص محصلین دارای ضایعه/معلولیت بینایی می باشند. اما هر دو دیپارتمنت دچار کمبود قوای بشری بوده و تمرکز نصاب تعلیمی آنها بیشتر روی روان شناسی و به میزان کمتر روی تربیه معلم و آموزش روش های خاص تعلیم است. یکی از دلایل این مسئله این است که اعضای کدر فاکولته همگی بیشتر در رشته روان شناسی تحصیل کرده اند تا تعلیمات خاص. این فاکولته شدیداً وابسته به کمک های تدریسی SERVE (در زمینه ضایعه/معلولیت بینایی) و بنیاد بهزیستی خانواده (در زمینه ضایعه/معلولیت شنوایی) می باشد.

نصاب تعلیمی دوره لسانس که حوزه ضایعه/معلولیت شنوایی را احتوا می کند، شامل هیچ گونه کورس و دوره ای در زمینه جهت یابی و تحرک، فعالیت های حیاتی روزمره یا تصاویر قابل لمس (لامسه ای) نمی باشد- کلیه این اجزا، از مقتضیات برنامه های تعلیمی برای معلمین اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی می باشند.

برای اینکه فارغین بتوانند به طور موثر اطفال دارای معلولیت را در مکاتب عادی (برنامه های تعلیمی فراگیر و تلفیقی) و حتی در مکاتب خاص فعلی، که تعدادشان محدود است، حمایت کنند، هر دو نصاب تعلیمی (برای محصلین دارای ضایعه/معلولیت بینایی و شنوایی، باید به طور گسترده مورد تجدید نظر قرار گیرند.

کلیه پوهنتون ها یا مراکز تربیه معلم، از تخصص لازم در زمینه مشکلات در خواندن و نوشتن، تعلیم و تربیه دو زبانه، سوادآموزی بزرگسالان، اوتیسم و اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، برخوردار نمی باشند.

استادان سایر فاکولته های پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، در زمینه تدریس اطفال دارای توانایی ها و سوابق متفاوت، آموزش دریافت نمی کنند. در رابطه با متعلمین در بسیاری از مراکز تربیه معلم وضعیت بدین گونه می باشد.

از این رو، برنامه های جاری تربیه معلم به طور موثر به نیازها و وضعیت های متنوع مکاتب و اجتماعات در سرتاسر افغانستان رسیدگی نمی کنند.

- مواد سمعی-بصری[82]

در حال حاضر، یک بخش جدید تحت نظارت ریاست انکشاف نصاب تعلیمی در حال تأسیس می باشد. هدف از تأسیس این بخش، تهیه مواد سمعی-بصری مبتنی بر نصاب تعلیمی جدید است. مواد سمعی-بصری شامل کتب الکترونیکی و DVD های آموزشی، و مواد تمرینی و عملی مبتنی بر محتوای نصاب تعلیمی هستند که به پروسه تدریس و یادگیری در صنوف درسی کمک می کنند.

در خلال مرحله اول پروژه "یک لب تاپ برای هر طفل" که فعلاً آزمایش می شود، وزارت معارف به تعداد 5.800 لب تاپ XO ارزان قیمت را برای اطفال در مکاتب کشور توزیع خواهد کرد. هدف از تطبیق این پروژه به شرح ذیل است:

[82]. بر اساس معلومات ایمیلی بدست آمده از وزارت معارف [2009/4/18]

- دانش کمپیوتر؛
- بهبود و ارتقای پروسه تدریس و یادگیری؛
- ایجاد توانایی برقراری ارتباط از طریق کمپیوتر، و؛
- کمک به انکشاف اقتصادی کشور؛

به تعداد 580 متعلم لیسه استقلال در جلال آباد به تاریخ 17 مارچ 2009، لب تاپ های XO دریافت کردند.

وزارت معارف باید زمینه روش های تدریس با استفاده از مواد سمعی-بصری در سایر کشورها تحقیقات و مطالعاتی را انجام دهد و در زمینه تهیه مواد سمعی-بصری سرمایه گذاری کند. تولید این مواد پروسه فراگیرکردن مکاتب را تسهیل می بخشد و میزان موفقیت در یادگیری را در میان کلیه متعلمین، به شمول اطفال دارای معلولیت و اطفالی که در معرض محرومیت در درون و بیرون از نظام تعلیم و تربیه قرار دارند، بهبود خواهد بخشد.

د. سیستم های سنجش و ارزیابی

سیستم فعلی سنجش و ارزیابی عمدتاً مبتنی بر امتحانات ملی و امتحانات مکتب و نه بر اساس ارزیابی دائمی عملکرد و پیشرفت متعلم طی سال تعلیمی می باشد. از این رو، این سیستم در زمینه سنجش میزان واقعی یادگیری دچار کمبود بوده و در اغلب موارد باعث می شود که تدریس فقط به خاطر امتحان دادن صورت گیرد. به همین جهت، بسیاری از اطفال، صرف به خاطر کامیاب شدن در امتحان و نه به خاطر تحصیل دانش و ایجاد مهارت هایی که در زندگی شان به کار می آید، درس می خوانند. سیستم ارزیابی فعلی، یکی از عوامل موثر بر بالا بودن میزان ترک تحصیل در صنوف بالاتر در مکاتب ابتدائیه و همچنین در دوره عبور از مکاتب ابتدائیه به ثانویه در افغانستان می باشد.

اطفال دچار ضایعه/معلولیت بینایی قادر به دادن امتحانات در الفبای بریل نیستند، چون یک مرکز دولتی تولید مواد آموزشی به خط بریل (برجسته) در افغانستان وجود ندارد. بعلاوه، از آنجاکه تعداد زیادی از اطفال شامل مکاتب فراگیر و تلفیقی و همچنین مکاتب خاص، برای یادگیری ریاضیات به قالب های نوشتاری خط بریل (سلیت و ستایلس) یا چوت دسترسی ندارند، نتوانسته اند برای دادن امتحانات آمادگی بگیرند و از این جهت نسبت به همسالان و هم صنفی های بینای خود دچار محرومیت بیشتر شده اند.

اطفال دچار ضایعه/معلولیت شنوایی نیز نمی توانند به خوبی برای امتحانات آمادگی بیگرند، زیرا فرهنگ فعلی زبان اشاره شامل 4000 "اشاره" می باشد. اگرچه این تعداد ممکن است رقم بزرگ به شمار آید، اما برای تدریس یا یادگیری کلیه مضامین مکاتب کفایت نمی کند. بنابراین، آن دسته از اطفال دچار ضایعه/معلولیت شنوایی که به زبان اشاره دسترسی دارند، قادر نخواهند بود تا به مانند همسالان و هم صنفی های خود در امتحانات موفق باشند.

به طور ایده آل، سیستم های ارزیابی باید پروسه یادگیری را ازطریق ایجاد امکانات خلاقیت و فعالیت بهبود بخشند. سیستم های ارزیابی مکاتب باید بجای مقایسه کردن اطفال با یکدیگر، میزان پیشرفت تک تک اطفال را سنجش نمایند. همچنین مهم است که امتحانات برای سنجش عمومی لیاقت و شایستگی اطفال و معلمین مطابق با معیارهای ملی طراحی شوند. با این همه، نتایج الزاماً نباید بر ارتقای متعلمین از یک صنف به صنف دیگر یا از مقطع ابتدائیه به ثانویه تأثیر گذار باشند. سیستم های ارزیابی باید به طور ایده آل انکشاف و بهبود روش های فراگیرتر و دوستانه تر در مکاتب را

تسهیل کنند. همچنین آنها باید امکان نام نویسی اطفالی را که به طور رسمی از مکاتب محروم شده اند، فراهم آورند.

هـ. پروسه های تدریس و یادگیری/ آموزش

تدریس در صنوف درسی مکاتب افغانستان در اصل به طور سنتی و لکچر دادن از روی تخته سیاه صورت می گیرد. از این رو، تعامل بین معلمین و اطفال تنها زمانی صورت می گیرد که معلم از اطفال سوال پرسان کرده و منتظر ارائه جواب های موافق از سوی اطفال می ماند.

برای تمرین خواندن، اطفال پیش روی صنف ایستاده می شوند و سایر اطفال نیز منتظر هستند که نوبت شان بشود یا اینکه آنها هم به طور همزمان می خوانند.

ریاضایت و ساینس به طور تئوریک درس داده می شود؛ بدون اینکه ارتباط آن با ریاضیات عملی، فزیک، کیمیا و بیالوژی بیان شود.

این واقعیت که دنیای ماحول ما مملوء از ریاضایت و ساینس است، غالباً نادیده گرفته می شود. هر وقت که ما یک گیلاس را پر از چای یا آب می کنیم، در واقع یک عملیه ریاضیاتی انجام می دهیم. هنگامی دهقانان زمین های شان را آبیاری می کنند، عملیه ریاضیاتی انجام می دهند. هنگامی که قالین بافان تارهای خود را با مواد کیمیاوی رنگ می کنند، عملیه ریاضیاتی انجام می دهند؛ آنها در واقع میزان رنگ و مدت زمانی که تار در مواد کیمیاوی مانده می شود تا رنگ بگیرد را محاسبه می کنند. این علوم، علوم پایه هستند. هنگامی که قالین بافته می شود، از نیرو کار گرفته می شود. اینکه این نیرو چگونه رها می شود و چگونه منتشر می شود، بر کیفیت قالین تأثیر گذار می باشد و این خود فزیک عملی است. هوا کردن گودی پران توسط یک طفل نیز خود می تواند در فزیک عملی بحث شود.[83]

چنانکه در تعدادی از مکاتب تحت پوشش پروژه آزمایشی تعلیمات فراگیر در بخش های مختلف افغانستان مشاهده شده است، این کار می تواند باعث آغاز تغییراتی شود. در یک ورکشاپ در کابل که در اوایل نوامبر برگزار گردید، اطفال یاد گرفتند که چگونه هنر، زبان، ریاضیات و همچنین مهارت های حیاتی را در یک پروژه گروهی ترکیب کنند.[84] این اطفال با همدیگر در گروه های چهار الی شش نفره کار کردند و طی بحث های گروهی مشخص نمودند که موضوع و طرح پروژه چگونه باشد. در این گروه ها، پسران و دختران و همچنین اطفال دارای معلولیت و بدون معلولیت حضور داشتند. اطفال برای ترتیب دیزاین های شان، باید از آب، تباشیر رنگه، پارچه های روزنامه و موابد زاید جمع آوری شده از مکتب استفاده می کردند. تصمیم گیری جمعی راجع به اینکه چه کاری و به کدام روش باید انجام شود و ترکیب و استعمال مواد مختلف، یک ایده جدید و جالب برای اطفال و معلمان بود.

اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی در یک مکتب کوچک خصوصی واقع در کابل، در یادگیری ریاضیات از بوتل ها استفاده می کنند.[85] استفاده از مواد زاید مانند بوتل و ریگ و چیزهای دیگری که در طبیعت یافت می شود، به تمام اطفال، نه فقط اطفال دارای معلولیت، کمک می کند که

[83]. وزارت معارف (2008). "انکشاف معارف- گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان." ص 30.
[84]. با حمایت یوسکو.
[85]. با حمایت Associazione Pro Bambini di Kabul

ریاضیات را به شکل بهتر بیاموزند. تعداد بیشتری از مکاتب آزمایشی تعلیمات فراگیر و دوستانه از این روش های ساده و بدون هزینه استفاده می کنند تا اطفال را در یادگیری بهتر دروس ریاضی یاری نمایند.

معلمان صنوف درسی در سراسر افغانستان، روش های تعاملی را در تدریس اطفال استفاده می نمایند. آنها در راستای ایجاد یک محیط متفاوت در صنوف و همچنین ایجاد تهد قوی تر در میان دست اندرکاران تعلیم و تربیه، با والدین اطفال و اجتماعات همکاری می کنند. صنوف درسی در اجتماعات محلی، پذیرای کلیه اطفالی هستند که پشت دروازه مکاتب می آیند. با این وجود هم، احکام و مقررات به حد کافی وجود ندارند تا تضمین کنند که اطفال دارای معلولیت، اطفال کارگر و برخی از گروه های اطفال که در معرض محرومیت و انزوا قرار دارند، قادر به شرکت در مکتب می باشند.

به اطفال دارای معلولیت در برخی از نقاط افغانستان آموزش خانگی داده می شود تا برای شرکت در مکاتب رسمی آماده شوند. متأسفانه اکثر اطفال، بسیار دیر شروع می کنند و به همین جهت برنامه های انکشاف و رشد اولیه در دوران طفولیت بیشتر صورت برنامه های شامل سازی اطفال بزرگ سال را به خود می گیرند. از آنجا که این برنامه ها در افغانستان به ندرت می توانند اطفال را در ساحات مختلف پوشش دهند، ایده استفاده از تعلیمات محلی و برنامه های توان بخشی برای آن دسته از اطفال دارای معلولیت که به سن مکتب نرسیده اند، می تواند در افغانستان می تواند یک ایده مطلوب باشد.

در نتیجه تطبیق برنامه های مدغم یا "تعلیمات تلفیقی" (integration) در سرتاسر افغانستان، هزاران طفل دارای معلولیت در مکاتب محلی ثبت نام کرده اند. در چند مکتب معمولی، صنوفی تشکیل شده است که از زبان اشاره برای تدریس اطفالی که این زبان لسان اول آنها است، استفاده می نمایند.

و. سوادآموزی بزرگسالان

چنانکه در پلان استراتیژیک ملی معارف و استراتیژی انکشاف ملی بیان شده است، هدف وزارت معارف افزایش میزان سواد در میان بزرگسالان تا 50 فیصد پیش از پایان سال 2010 می باشد. به منظور تحقق این هدف، در سال 2007 ابتکار سوادآموزی برای توانمندی، منحیث یک چارچوب ملی برای کلیه دست اندرکارانی که در راستای هماهنگی و تطبیق موفقانه فعالیت های سوادآموزی کار می کنند، ایجاد گردید تا از طریق توانمندسازی (سوادآموزی) بی سوادان به خصوص زنان و دختران خارج از مکتب و خانواده های شان در ساحات روستایی محروم به اهداف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و پلان ملی استراتیژیک معارف جامه عمل پوشانده شود.

دو مورد از کلان ترین برنامه های تحت ابتکار سوادآموزی برای توانمندی، به طور یکجا تقریباً 1 میلیون از جوانان و بزرگسالان، اعم از زنان و مردان و دختران و پسران، را تحت پوشش قرار می دهند. برنامه یونسکو برای بهبود پروژه 2 سوادآموزی در افغانستان[86] 312.000 نفر دیگر را در سرتاسر افغانستان تحت پوشش قرار می دهد.

"به منظور دستیابی به اهداف مربوط به سواد آموزی در پلان استراتیژیک ملی معارف، الزامی است که به شناسایی چالش ها و موانع سوادآموزی و انکشاف پلان عملی ملی سوادآموزی پرداخته شود. پلان عملی ملی سوادآموزی باید یک چارچوب عملیاتی برای فعالیت های جمعی کلیه همکاران ابتکار

[86]. این برنامه توسط جایکا تمویل شده است.

سوادآموزی برای توانمندی فراهم کند."
آقای شیگرو آیاگی، رئیس ، یونسکو کابل (2008)

تطبیق موفقانه پلان عملی ملی سوادآموزی وابسته به همکاری نزدیک دست اندرکاران کلیدی می باشد، زیرا این کار بسیار گسترده می باشد. وزارت معارف، میزان سواد در میان بزرگسالان در ساحات روستایی_ جایی که در آن اکثریت جمعیت افغانستان زندگی می کنند_ را 34 فیصد یا 50 فیصد در میان مردان و 18 فیصد در میان زنان تخمین می کند. این بدان معناست که اکثریت اطفالی که در ساحات روستایی شروع به مکتب رفتن می کنند، اولین کسانی هستند که در فامیل شان به مکتب می روند. تا زمانی که میزان سواد در میان بزرگسالان افزایش نیابد، این مسئله همچنان بر موفقیت آموزشی اطفال افغانستان تأثیر منفی خواهد گذاشت.

"دستیابی به اهداف سوادآموزی که در پلان استراتژیک ملی افغانستان بیان شده اند، به شدت وابسته به کیفیت تطبیق پلان، تناسب آن با نیازهای خاص کشور، اولویت ها، ظرفیت های ملی و همچنین پالیسی ها و برنامه ها می باشد."
داکتر غلام فاروغ وردک، وزیر معارف

مطابق با پلان استراتیژیک ملی افغانستان، برنامه های سوادآموزی بیشتر روی ساحات روستایی که در آن میزان سواد در میان بزرگسالان پایین تر از ساحات شهری است، متمرکز خواهد بود. تشکیل[87] جدید منحیث یک وسیله برای تطبیق استراتیژی از طریق استخدام و استقرار معلمین سوادآموزی از ساحات شهری به ساحات روستایی و ولسوالی ها مورد استفاده قرار گرفته است.

ی. تربیه معلم و تعلیم و تربیه

در حال حاضر در تعلیمات فراگیر افغانستان، هیچ گونه برنامه ای که مدرک دیپلوم اعطا کند وجود ندارد. در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل برنامه های مخصوص افراد دچار مشکل شنوایی و بینایی وجود دارد که سند لسانس ارائه می کنند. با این همه، هیچ کدام از این برنامه ها، برای برآورده کردن نیازهای مکتب خاص یا مکاتب فراگیر طراحی نشده اند، زیرا نصاب تعلیمی این مکاتب بسیار اکادمیک می باشد. از این رو، لازم است که نصاب تعلیمی این دو نوع برنامه، مورد تجدید نظر قرار بگیرند و طوری تعدیل یابند که پاسخگوی نیازهای اطفال، معلمان، والدین و اجتماعات مردمی در افغانستان باشند.

وزارت معارف معلمان را برای تدریس در صنوف 1 تا 10 آماده می کند. نصاب تعلیمی مراکز تربیه معلم مورد تجدید نظر قرار گرفته است، مواد و منابع آموزشی جدید برای سه سمستر از چهار سمستر دوره تربیه معلم توسط متخصصان شورای ملی تحقیقات تعلیمی واقع در دهلی، هندوستان اصلاح شده اند. علیرغم اینکه این نصاب تعلیمی جدید دارای ابعاد جدیدی از جمله آموزش عملی، سیستم کردیت و روش های ارزیابی جدید، می باشد، اما نمی تواند معلمان را برای تدریس اطفال دارای نیازمندی های آموزشی خاص آماده سازد. با این همه، یک کورس جدید تحت عنوان مبانی تعلیم شمولیت و نیازهای خاص در حال طراحی می باشد و در پلان تعلیم و تربیه منحیث یک کورس کردیتی اجباری شامل خواهد گردید. موضوعاتی که در این نصاب تعلیمی جدید شامل هستند، عبارتند از: برخی از موضوعات مرتبط به هم مانند: حقوق طفل؛ حقوق بشر؛ مسائل مربوط به جنسیت؛

[87] تشکیل

حمایت روانی، و ؛ آموزش صلح.[88]

اکثر موسسات فعال در عرصه تعلیم و تربیه در افغانستان، برنامه های تربیه معلم را راه اندازی می کنند و برخی از آنها بدون همکاری مدیریت تربیه معلم وزارت معارف این فعالیت را انجام می دهند. بسیاری از این برنامه ها، اگرچه، مربوط به تعلیمات فراگیر و دوستانه می باشند، اما از آنجا که استقرار نیافته اند و محتوای آنها شکل نصاب تعلیمی تربیه معلم را به خود گرفته است، دوام و تأثیر آنها (در درازمدت) زیر سوال می رود.

در برخی موارد، بین همکاران دولتی و غیردولتی همکاری ها و هماهنگی های موفقانه ای وجود داشته است. سند "پذیرش تنوع برای ایجاد محیط های آموزشی فراگیر و دوستانه " (که توسط یونسکو تهیه شده است) به لسان های دری و پشتو ترجمه شده است و بزودی توسط یونسکو و با همکاری کلیه همکاران گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر منتشر خواهد شد. نسخه تعدیل یافته و تجدید نظر شده این سند توسط وزارت معارف در سال 2010 بر اساس نتایج آزمون ساحوی جمعی منتشر و برای برنامه های تعلیم و آموزش در سرتاسر افغانستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

به تعداد 10 معلم از مکاتب آزمایشی تعلیمات فراگیر در کابل، منحیث آموزگاران ارشد آموزش دیده اند. این دوره آموزشی بر اساس سند مذکور و همچنین مواد و منابع دفتر حمایه اطفال در زمینه حقوق طفل بوده است. باید میزان تأثیرگذاری این دوره آموزشی را ارزیابی کرد تا مشخص شود که آیا این برنامه می تواند منحیث یک الگو برای برنامه های گسترده تر تربیه معلم برای تعلیمات فراگیر و دوستانه استفاده شود یا خیر.

ح. سیستم های حمایتی مربوط به اطفال دارای معلولیت و سایر نیازهای آموزشی خاص

- مکاتب، خانواده ها و اطفال نیازمند کمک در زمینه های ذیل می باشند:

- تعلیم و تربیه اولیه
- ارزیابی
  - ارزیابی عملکرد
  - ارزیابی طبی
- مداخله
  - آموزشی و تربیتی(پیداگوژیکی)
  - اجتماعی/ عاطفی
  - طبی/صحی/تغذیه
- نظارت و ارزیابی

سازمان دهی و ارائه این حمایت ها در قالب یک سیستم حمایت صورت می گیرد. یک سیستم حمایتی گسترده موارد ذیل را پوشش می دهد:

- معلمین صنوف درسی
- اطفال دارای نیازهای آموزشی خاص دائمی یا موقت
- والدین
- سر معلمان و مدیران مکاتب

[88]. بر اساس معلومات ایمیلی دریافت شده از وزارت معارف [2009/04/26]

- تربیه کنندگان معلم
- قانون گذاران، مقامات معارف و رهبران محلی

در حال حاضر در دستگاه دولت، هیچ گونه سیستم حمایتی برای اطفال دارای معلولیت و نیازهای آموزشی خاص وجود ندارد. اما برخی از سازمان های ویژه اشخاص معلول و سازمان ملی و بین المللی وجود دارند که اطفال دارای معلولیت در مکاتب و همچنین محیط های آموزشی تلفیقی و فراگیر را حمایت می کنند. کیفیت این خدمات متفاوت بوده و دامنه پوشش جغرافیایی آن بسیار محدود می باشد.

ظاهراً، اکثریت این گونه خدمات اطفال و جوانان (و همچنین متعلمین بزرگسال) دارای ضایعه/معلولیت جسمی، ضایعه/معلولیت بینایی و ضایعه/معلولیت شنوایی را پوشش می دهند. برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی و فلج مغزی، خدمات اندکی موجود می باشد. اطفال مبتلا به اوتیسم، اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، اطفال دچار مشکلات در خواندن و نوشتن و سایر معلولیت ها از هیچ گونه خدمات یا حمایت هایی برخوردار نمی باشند.

با کمک کمیته سوئدن برای افغانستان، به تعداد 31 مرکز انکشافی و توان بخشی برای اطفال، جوانان و بزرگسالان دارای معلولیت در سرتاسر افغانستان تأسیس شده است. این مراکز در آینده می توانند به شکل یک مرکز مرجع درآیند و خدمات توان بخشی و تعلیمی گسترده ای را برای اطفال، جوانان و بزرگسالان دارای معلولیت عرضه کنند. مراکز مرجع باید خدمات گسترده یا سیار را برای اطفال دارای معلولیت که در مکاتب عادی مشغول تحصیل می باشند، فراهم کنند. کتاب ها و مواد آموزشی به خط بریل، در حال حاضر در برخی از مراکز انکشافی و توان بخشی محلی، جهت استفاده در سطح محل نشر می شوند.

حمایت از اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی یا ضایعه/معلولیت ذهنی

- جمعیت تقریبی 176.000 نفری اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی (بین سنین 0 تا 18 سال) در افغانستان می توانند در مکتب خاص[89] کابل و در یکی از چند صنف خاص در یک مکتب ویژه اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در جلال آباد تحصیل کنند. تقریباً 80 طفل در این دو مکتب ثبت نام کرده اند که 50 نفر آنها در جلال آباد و 30 نفر آنها در کابل مشغول تحصیل می باشند. این رقم کمتر از 0.5 هزارم جمعیت کلی اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی را تشکیل می دهد.
- 10 آموزگار ارشد[90] 32 طفل دارای ضایعه/معلولیت رشدی را که در 29 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف ثبت نام کرده اند، حمایت می کنند. این حمایت ها بیشتر در زمینه بهبود پروسه های یادگیری و تدریس در صنوف درسی یا مکاتب مربوطه صورت می گیرد
- معلمان فعال در 29 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف از حمایت های بخش جدید وزارت معارف که در زمینه تعلیمات فراگیر و تعلیم نیازمندی های خاص[91] فعالیت می کند، برخوردار می باشند. این حمایت ها به شکل جلسات بحث ماهوار و سوال و جواب می باشد.
- 19 واحد یا صنف درسی خاص برای 31 طفل دارای ضایعه/معلولیت رشدی یا ضایعه/معلولیت

[89]. مکتب جلال آباد توسط SERVE حمایت می شود- در حالی که مکتب کابل توسط Associazione Pro Bambini di Kabul راه اندازی شده است.
[90]. با حمایت ویژه از سوی یونسکو
[91]. با حمایت تخنیکی یونسکو

ذهنی در برخی از مکاتب عادی در حال راه اندازی می باشد. این برنامه ادغام فزیکی[92]، منجر به حضور اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی در مکاتب شده و می تواند باعث افزایش میزان آگاهی مردم محل نیز بشود.

- به تعداد 1513 نفر (564 زن و 949 مرد) دارای مشکلات در یادگیری و همچنین اشخاص دارای معلولیت های دیگر که در زمینه یادگیری با مشکل مواجه هستند (اطفال دارای فلج مغزی، اوتیسم و غیره) در سال 2008 در زمینه فعالیت های حیاتی روزمره آموزش دیدند.
- انجمن اولیاء برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت ذهنی، به تعداد 20 طفل دارای ضایعه/معلولیت رشد عقلی را در صنوف آمادگی مکتب شامل ساخت
- PBK برنامه های پیش از مکتب، تعلیمات ابتدائیه و آمادگی مکتب را برای بیش از 40 طفل دارای معلولیت رشدعقلی در کابل سازمان دهی می کند. بسیاری از این اطفال بعد از مدت زمان معین در مکاتب عادی شامل ساخته می شوند.
- 31 مرکز انکشافی و توان بخشی محلی، مراکز فرعی و همچنین برنامه های خانگی در سرتاسر افغانستان وجود دارند که خدمات آموزشی و توان بخشی برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت رشدی یا ضایعه/معلولیت ذهنی فراهم می کنند.[93]

حمایت از اطفال داری ضایعه/معلولیت شنوایی:

به تعداد 300 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در مکاتب ناشنوایان جلال آباد ثبت نام کرده اند.[94] این مکتب بزرگترین مکتب ویژه اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در افغانستان می باشد. این مکتب با استفاده از تمامی قوای بشری و منابع آموزشی خود قادر به حمایت از اطفال دچار ضایعه/معلولیت شنوایی که در مکاتب عادی سیار(تعلیمات فراگیر) ثبت نام کرده اند، می باشد.

298 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی، که عمدتاً اطفال ناشنوا هستند، در مکتب بنیاد بهزیستی خانواده/ بنیاد ناشنوایان افغانستان واقع در کابل ثبت نام کرده اند. برخی از معلمین این مکتب، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل را در تطبیق پروگرام اعطای مدرک لسانس در تعلیم ناشنوایان کمک می نمایند. این مکتب همچنین در زمینه تهیه فرهنگ زبان اشاره همکاری می نماید. منابع بشری و منابع آموزشی این مکتب همچنین می توانند به منظور حمایت از تلاش های ذیل برنامه تعلیمات فراگیر در کابل و ساحات اطراف آن مورد استفاده قرار گیرند.

250 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در یک مکتب ناشنوایان کوچک در کابل ثبت نام کرده اند. این مکتب توسط انجمن ملی ناشنوایان افغانستان راه اندازی شده است.[95] این دفتر همچنین یک برنامه معاضدتی برای برای والدین اطفال ناشنوا راه اندازی کرده است. معلمین مکتب مذکور همچنین در برنامه آزمایشی وزارت معارف در زمینه تعلیمات فراگیر در کابل نیز فعالیت دارند.
140 تن از اطفال و جوانان دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در 19 صنف خاص واقع در مکاتب عادی در سرتاسر افغانستان ثبت نام کرده اند؛[96] 5 مکتب در غزنی، 1 مکتب در جلال آباد، 5 مکتب در مزار شریف و 8 مکتب در تالقان.

132 تن از اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در صنوف خاص واقع در 45 مکتب عادی

[92]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
[93]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
[94]. با حمایت SERVE
[95]. با حمایت Catholic Relief Services و CARITAS Italy
[96]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان

(تلفیقی)(Integration) مختلف در جلال آباد و لغمان ثبت نام کرده اند.[97]

به تعداد 100 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در 4 صنف خاص واقع در چهار مکتب عادی (تلفیقی) در کندهار ثبت نام کرده اند.[98]

به تعداد 100 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در مکتب ناشنوایان هزاره خواجه عبدالله انصاری در هرات ثبت نام کرده اند. این مکتب با استفاده از تمامی قوای بشری و منابع آموزشی خود قادر به فعالیت منحیث یک مرکز مرجع برای اطفال دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در مکاتب فراگیر می باشد.

36 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی در 9 مکتب مختلف در پروان ثبت نام کرده اند.[99]
به تعداد 31 مرکز انکشافی و توان بخشی محلی، مراکز فرعی و همچنین برنامه های خانگی در سرتاسر افغانستان وجود دارد که خدمات آموزشی و توان بخشی برای اطفال، جوانان و بزرگسالان دارای ضایعه/معلولیت شنوایی ارائه می کنند.[100]

در سال 2008، به تعداد 1742 شخص دارای ضایعه/معلولیت شنوایی (683 اناث و 1059 ذکور) در زمینه زبان اشاره به طور گروهی یا انفرادی آموزش دیدند. [101]

10 آموزگار ارشد[102]برای 18 طفل دارای ضایعه/معلولیت شنوایی که در 29 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف ثبت در کابل ثبت نام کرده اند، خدمات حمایتی فراهم می کنند. این خدمات در هماهنگی با انجمن ملی ناشنوایان افغانستان هماهنگ می شود.

در مکاتب ویژه ناشنوایان بنیاد بهزیستی خانواده/ بنیاد ناشنوایان افغانستان[103] در کابل، یک مرکز سنجش شنوایی وجود دارد. [104] این مکاتب همچنین دارای تجهیزات سیار برای خدمات سیار می باشند. در حال حاضر یک شنوایی سنج (Audiologist) در این مرکز کار می کند. سایر شنوایی سنجان نیز (در ایران) آموزش های لازم را دیده اند، اما به دلیل پایین بودن معاشات آنها جذب صنایع خصوصی انتفاعی شده اند.

مرکز سنجش شنوایی همچنین یک تکنسین قالب گوش (ear mould) را استخدام کرده است. وسایل کمکی شنوایی را می توان از مارکت محلی به قیمت 10 الی 150 دالر امریکایی خریداری نمود. این مرکز برای هر قالب گوش 6 دالر یا 300 افغانی دریافت می کند.

در سال 2005، به تعداد 150 وسیله کمکی شنوایی برای اطفال و جوانان توزیع شد.[105] از آنجا که امکانات لازم برای تعمیر وسایل کمکی سمعی وجود ندارد، تنها تعداد اندکی از وسایل کمکی سمعی در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرند.

---

[97]. با حمایت SERVE
[98]. با حمایت SERVE
[99]. با حمایت SERVE
[100]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
[101]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
[102]. با حمایت فنی یونسکو
[103]. FWF/HIFA
[104]. این مکتب توسط بنیاد بهزیستی خانواده و با حمایت موسسه نجات اطفال سوئدن ناروی راه اندازی شده است.
[105]. با حمایت برنامه انکشافی ملل متحد

یک فرهنگ زبان اشاره جدید دربرگیرنده 2000 نشانه توسط ANDP در اوایل سال 2009 با همکاری نزدیک وزارت معارف منتشر شد.[106]این فرهنگ در خلال سال های 2007 و 2008 توسط گروهی از سازمان های فعال در عرصه ضایعات شنوایی تهیه شد. سازمان های عضو، همگی عضو گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر بودند.

حمایت از اطفال دارای ضایعه/معلولیت جسمی (حرکتی)

ده ها نفر از هزاران طفل دچار ضایعات فزیکی در مکاتب عادی در سرتاسر افغانستان ثبت نام کرده اند. مانع اصلی بر سر راه تعلیم و تربیه اکثریت اطفال دچار ضایعه/معلولیت جسمی، دسترسی فزیکی به ساختمان های مکاتب می باشد. از این رو، سطح مایل و تأسیسات بهداشتی و صحی در مکاتب مطابق به رهنمودهای جدید دولتی ساخته می شوند.

265 طفل (90 طفل اناث و 175 طفل ذکور) دارای فلج مغزی از خدمات توان بخشی و تعلیمی خانگی از طریق خدمات توان بخشی محلی در 13 ولایت مختلف مستفید می شود.[107]

به تعداد 150 طفل دچار ضایعه/معلولیت جسمی در 140 مکتب عادی در کابل و پروان شامل هستند.[108] این اطفال به منظور کامیابی در عرصه تعلیم و تربیه با شرایط برابر با همسالان سالم خود، حمایت، تجهیزات و وسایل کمکی دریافت می کنند.

به تعداد 84 طفل دچار ضایعه/معلولیت جسمی (شدید) که حتی با کمک ویلچر هم قادر به مکتب رفتن نیستند، مطابق به نصاب تعلیمی وزارت معارف و از طریق یک برنامه تعلیمی محلی، تعلیمات خانگی دریافت نمودند.[109]

به تعداد 30 طفل دچار فلج مغزی دو بار در هفته در مرکز توان بخشی خصوصی در کندوز، خدمات توان بخشی و آموزشی دریافت نمودند.[110]

اطفال دچار فلج مغزی در افغانستان که دچار مشکل در تکلم می باشند، به تخته های ارتباطی (communication board) دسترسی ندارند. ضروری نیست که این وسایل الکترونیک یا کمپیوتری باشند، اما می توانند از چوب های دارای اشکال رسامی شده ساخته شوند. اطفالی که در برقراری روابط دچار مشکل هستند، می توانند با کمک تخته های ارتباطی و از طریق اشاره به نشانه های روی تخته چوبی یا الکترونیک، احساسات و آرزوهای بنیادی خود (برای مثال در بیان اینکه "من گرسنه هستم"، "من تشنه هستم"، "خسته هستم"، "خوشحال هستم"، "غمگین هستم" و غیره) را بیان کنند.

13 مرکز (ورکشاپ) اورتپیدی در فیض آباد، غزنی، هرات، جلال آباد، کابل، کندهار، میمنه، مزار شریف، پنجشیر و تخار وجود دارد. این مراکز حمایت ارتوپدی (تخته شکسته بندی) برای دست، بازو، پا و بالا تنه و همچنین اندام های مصنوعی برای کسانی که اعضای بدنشان قطع شده است، فراهم می کنند.[111]

---

[106]. با حمایت موسسه نجات اطفال هالند.
[107]. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
[108]. با حمایت SERVE
[109]. با حمایت کمیته بین المللی صلیب سرخ
[110]. با حمایت STREAMS
[111]. با حمایت کمیته بین المللی صلیب سرخ، Handicap International، KOO (سازمان ارتوپدی کابل و کمیته سوئدن برای افغانستان)

مراکز و ورکشاپ های اورتوپدی همچنین ویلچر، واکر (چهارپایه کمکی برای راه رفتن) و تیاق برای اطفال، جوانان و بزرگسالان در سرتاسر افغانستان فراهم می کنند. چوکی ها و میزهای ویژه نیز در برخی از این ورکشاپ ها ساخته می شوند.

علیرغم وجود تعدادی از ورکشاپ های اوتوپیدی و توزیع وسایل تحرک، بسیاری از اطفال و جوانان دچار ضایعه/معلولیت جسمی هنوز هم از این خدمات برخوردار نیستند.

به تعداد 10 آموزگار ارشد [112]برای 40 طفال دچار ضایعه/معلولیت جسمی که در 29 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف در کابل ثبت نام کرده اند، حمایت و کمک فراهم می کنند. مکاتب آزمایشی همگی در قابل استفاده و در دسترس بوده یا اینکه حداقل اولین منزل ساختمان آنها می تواند مورد استفاده اشخاص متکی به ویلچر قرار گیرد.

حمایت از اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی

- به تعداد 380 طفل دچار ضایعه/معلولیت بینایی در 80 مکتب عادی در سرتاسر افغانستان شامل شده اند.[113]این اطفال قبل از اینکه در مکاتب ثبت نام کنند به خط بریل آموزش دیده و از خدمات "جهت یابی و تحرک" بهره مند می شوند. با این وجود هم، تعداد کتاب های درسی و سایر مواد خواندنی، چوت و وسایل کمکی که اطفال را در یادگیری و کامیابی در مکتب یاری می کند، بسیار کم است.
- تنها مکتب خاص دولتی در افغانستان، مکتب نابینایان در کابل است. 150 نفر از اطفال، جوانان و بزرگسالان در این مکتب ثبت نام کرده اند. این مکتب دارای یک مطبعه کوچک خط بریل، یک کتابخانه کوچک بریل و یک مرکز آموزش فنی و حرفوی می باشد که تمامی آنها نیاز شدید به جدیدسازی دارند.
- به تعدد 132 طفل دارای ضایعه/معلولیت بینایی در 38 مکتب در کابل و پروان ثبت نام کرده اند.[114]این اطفال قبل از الحاق به مکاتب، به خط بریل آموزش دریافت کرده و از خدمات "جهت یابی و تحرک" بهره مند می شوند.
- به تعداد 100 طفل دارای ضایعه/معلولیت بینایی در 25 مکتب عادی در هرات و ساحات اطراف آن ثبت نام کرده اند.[115]اطفال پیش از الحاق به مکاتب عادی در محیط های آموزشی مجزا تعلیم می بینند. به طور ایده آل، این کار باید پیش از اینکه اطفال به سن مکتب برسند، انجام شود تا تضمین شود که اطفال در این سن به مانند همسالان خود در مکتب ثبت نام می کنند.
- به تعداد 70 طفل دچار ضایعه/معلولیت بینایی در مکاتب عادی در جلال آباد و لغمان ثبت نام کرده اند.[116]برای تضمین اینکه اطفال قادر به یادگیری تا آخرین حد توان خود باشند، حمایت تخنیکی دریافت می کنند و کتاب های نوشته شده به خط بریل و همچنین وسایل کمکی بینایی و تحرک در اختیارشان قرار می گیرد.
- به تعداد 9 طفل دارای ضایعه/معلولیت بینایی در کندهار به 9 مکتب عادی مختلف در کابل الحاق شدند.[117]برای تضمین اینکه اطفال در مطالعات خود در مکتب موفق می شوند، حمایت

---

[112]. با حمایت تخنیکی یونسکو
[113]. با حمایت انجمن روشندلان افغانستان
[114]. با حمایت SERVE
[115]. با حمایت کمیته نجات بین المللی، انجمن نابینایان هرات و انجمن ملی نابینایان افغانستان
[116]. با حمایت SERVE
[117]. با حمایت SERVE

تخنیکی، کتاب ها و وسایل مربوطه در اختیارشان قرار می گیرد.

- در سال 2008، به تعداد 401 شخص دچار ضایعه/معلولیت بینایی (103 مرد و 298 زن) به خط بریل آموزش و خدمات جهت یابی و تحرک دریافت کردند.[118]
- در سال 2007/2008، 70.000 صفحه یا 700 کتاب، به خط بریل چاپ شد.[119] در صورتی که تمام اطفال دچار ضایعه/معلولیت بینایی که برای خواندن و نوشتن از خط بریل استفاده می کنند، به مکتب بروند، آنگاه سالانه باید، به غیر از قرآن شریف، کتاب های داستان و غیره، 22.000.000 صفحه یا 22.000 کتاب چاپ شود.
- چهار سازمان و مکتب وجود دارد که برخی از موادآموزشی را به خط بریل چاپ می کنند. این تولیدات هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی محدود می باشند. در بزرگترین مرکز نشر بریل[120]تولید این مواد پس از یک کارمند آن در اکتبر 2008 توسط طالبان کشته شد، به حالت تعلیق درآمد و هنوز معلوم نیست که چه زمانی تولید کامل این مواد از نو آغاز می شود.
- دومین مرکز چاپ بریل، که واقع در مکتب نابینایان می باشد، دچار کمبود بودیجه می باشد. این مکتب قادر به پرداخت بیل برق خود نبوده و بدین جهت طی شش ماه گذشته در سال 2008 برق آن قطع بوده است. به همین خاطر، برخی از معلمین و کارمندان آن برای تهیه مواد آموزشی به خط بریل، از بریلرهای پرکنز دستی استفاده می کنند اما توانایی این دستگاه بسیار پایین می باشد. مکتب نابینایان دارای دستگاه برجسته کاری کمپیوتری می باشد: یک Index Everest و یک Enabling Technology. بنا به گفته معلمان، پرینت های ماشین Indexدارای کیفیت بسیار پایین بوده و بدین سبب برای مدت طولانی بدون استفاده باقی مانده اند. دستگاه برجسته کاری تکنولوژی های Enabling در اوایل سال 2008 به عنوان کمک اهدا شدند. هیچ کدام از معلمان یا کارمندان با طریقه استفاده از این ماشین آشنایی ندارند و به همین خطر این ماشین دست نخورده و بدون استفاده باقی مانده است. باید تذکر داد که این دو ماشین برجسته کاری، ماشین های شخصی بوده و در واقع به درد تولید کتاب نمی خورند.
- سازمان سرف سالانه سنجش های بینایی را برای 50.000 الی 60.000 طفل انجام می دهد.[121]این سازمان همچنین عملیات های کوچکتر را نیز انجام می دهد و وسایل کمکی را برای اشخاص دارای دید ضعیف توزیع می نماید. عینک ها نیز از طریق دوکان های محلی توزیع می شوند یا اینکه ساخته می شوند و بعداً در اختیار اطفال قرار می گیرند.
- به تعداد 10 آموزگار ارشد [122]برای 10 طفل دارای ضایعه/معلولیت بینایی (نابینایان و اشخاص دارای دید ضعیف) که در 29 مکتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف در کابل ثبت نام کرده اند، حمایت و کمک فراهم می کنند. این کمک ها عمدتاً در زمینه رفع موانع یادگیری، رشد و مشارکت اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی در صنوف و مکاتب می باشد.
- بخش جدید وزارت معارف تحت عنوان مکاتب پیش ابتدائیه و تعلیمات فراگیر[123]، با برگزاری جلسات بحث و جلسات سوال و جواب، معلمین در 29 مکتب فعال در مکاتب آزمایشی تعلیمات فراگیر وزارت معارف را حمایت می کند.
- در افغانستان چوکی های مخصوص مطالعه (Reading Stands) برای اطفال دارای دید ضعیف وجود ندارد. یک متخصص از Sight Savers واقع در پاکستان[124] استفاده از این وسایل را چند سال قبل توصیه نموده بود، اما اطفال میل به استفاده از آنها نشان ندادند؛ چون

---

118. با حمایت کمیته سوئدن برای افغانستان
119. به گفته آقای تام ون هرویجن، مدیر برنامه، SERVE- طی یک مصاحبه به تاریخ سپتمبر 2008
120. SERVE
121. به گفته آقای تام ون هرویجن، مدیر برنامه، SERVE- طی یک مصاحبه به تاریخ سپتمبر 2008
122. با حمایت تخنیکی یونسکو
123. با حمایت تخنیکی یونسکو
124. داکتر حسن مینتو

می ترسیدند که به خاطر استفاده از این وسایل از دیگران متمایز و ریشخند شوند- در واقع آنها نمی خواستند که از دیگران متفاوت باشند".[125]

- هیچ کدام از متعلمین[126]در مکتب نابینایان کابل شانس خواندن کتاب داستان به خط بریل را نداشته اند. برخی از اطفال دارای دید ضعیف بودند و با استفاده از چشم هایشان خط بریل را می خواندند اما این کار برای دید آنها مضر بود و از طرف دیگر باعث به هدر رفتن موادآموزشی تهیه شده به این خط می شد. کتاب های عادی برای این اطفال در مکتب موجود نبود. این اطفال از ذره بین، چوکی مخصوص مطالعه یا هر گونه وسیله کمکی دیگر که عمدتاً در قیمت های نسبتاً نازل موجود هستند، استفاده نمی کردند. اکثر اطفال و جوانانی که در مکتب نابینایان در کابل ثبت نام کرده بودند، به قالب های خط بریل (تخته و قلم) دسترسی نداشتند. افزون بر این، اطفال مجبور بودند که ریاضیات را حفظ کنند یا اینکه به خط بریل بخوانند، اما نمی توانستند چوت برای محاسبات استفاده کنند، این در حالی بود که در مکتب مذکور چوت وجود داشت.
- بنا به گزارش کمیته سوئدن برای افغانستان، اطفال دارای ضایعه/معلولیت بینایی در سایر بخش های افغانستان دچار مشکلات و محدودیت های مشابه می باشند. قالب های نوشتاری خط بریل که از آهن ساخته شده اند (تخته و قلم) در گذشته و به طور محلی ساخته شده بودند، اما واردات لوح های پلاستیکی از چین و هندوستان باعث توقف تولیدات محلی شد. کمی بعد، تولید این وسایل متوقف شد و اطفال مجبور به استفاده از وسایل نوشتاری عادی شدند.

ط. برنامه های آموزشی برای اطفالی که در معرض محرومیت از مکتب و به حاشیه رانده شدن قرار دارند

آموزش اطفالی که در فاصله دور از مکتب زندگی میکنند – در روستاهایی که مکتب وجود ندارد

تعدادی از موسسات غیردولتی بین المللی و ملی در مناطق روستایی و دورافتاده افغانستان صنف های محلی تاسیس نموده اند.

یکی از بزرگترین ابتکارات، ابتکار PACE-A است[127] - این کنسرسیوم متشکل از بنیاد آغاخان (AKF)، CARE، خدمات امدادی کاتولیک (CRS)، و کمیته نجات بین المللی (IRC) می باشد.

ابتکارات دیگری نیز توسط کمیته سویدن برای افغانستان (SCA) و دفتر حمایه اطفال (Save the Children) سویدن - ناروی انجام شده است.

این سازمان ها از طریق همکاری نزدیک با وزارت معارف، صدها صنف های در سطح محلی در روستاهای کوچک و مناطق دورافتاده کشور تاسیس نموده اند.

صنف های محلی عمدتا متوجه دختران و اطفال خردسال می باشد – خردسالانی که نمیتوانند فواصل طولانی را برای رسیدن به نزدیک ترین مکتب پیاده بروند. اکثر صنف های محلی شامل صنف های 1 تا 3 می باشند. وقتی اطفال بزرگتر شوند باید خود را به نزدیکترین مکتب عادی دولتی برسانند. اولویت صنف های محلی اطفالی است که ممکن است در نبود این صنف ها از مکتب رفتن باز بمانند.

---

[125]. آقای شهید احمد ممون، رئیس سابق اتحادیه نابینایان آسیا.
[126]. با 6 متعلم از مکتب به تاریخ 24 نوامبر 2008 مصاحبه شد.
[127]. توسط USAID تمویل میگردد

سیستم صنف های محلی به شکلی طراحی شده است که والدین و اعضای اجتماع را در طراحی و مدیریت مکتب سهیم ساخته و از این طریق دموکراسی و حقوق بشر نیز به صورت عملی به شهروندان آموزش داده میشود.

صنف های محلی در جنوب افغانستان برای ارائه خدمات آموزشی به اطفال متعلق به اقلیت های قومی و مذهبی[128] که قبلا از خدمات آموزشی محروم بوده اند، مورد استفاده قرار می گیرد.

امروز ارائه خدمات آموزشی به هزاران طفل، از طریق ایجاد صنوف محلی ممکن گردیده است. هر چند سیستم صنوف محلی برای شکل جامع تر از تعلیمات فراگیر مطلوب است، متاسفانه این صنوف خدمات اندکی برای اطفال معلول یا اطفال کارگر ارائه میکند.

آموزش دختران

اکثر برنامه های آموزشی اجرا شده در افغانستان دارای مولفه جنسیتی قابل توجه هستند. بهبود دسترسی دختران به آموزش یکی از اولویت های اساسی وزارت معارف، دفاتر ملل متحد و سازمان های بین المللی فعال در بخش تعلیم و تربیه افغانستان می باشد.

ایجاد دیوار احاطه در اطراف مکاتب و فراهم آوری آب پاک و امکانات صحی وبهداشتی[129] از جمله شرایطی است که امکان به مکتب آمدن دختران را فراهم و یا اجازه مکتب رفتن دختران را تسهیل میکند. ساخت امکانات بهداشتی و صحی قابل استفاده برای اطفال معلول در بسیاری از مکاتب، به مکتب آمدن دختران معلول و غیر معلول را ممکن میسازد[130].

در حال حاضر و در نتیجه این تلاش ها، بیش از 2 میلیون دختر در مکاتب ابتدائیه و ثانویه در سراسر کشور ثبت نام شده اند.

دسترسی دختران به مکتب و ترک تحصیل آنها در دوره ابتدائیه متاثر از موانع فرهنگی و اجتماعی می باشد. دختران در افغانستان مثل دیگر نقاط جهان، به شکل سنتی در خانه آموزش می بینند و مسئولیت هایی مثل آشپزی و مراقبت از اطفال به عهده انان می باشد.

طالبان که تا سال 2001 بر افغانستان حکومت میکردند، دختران را از آموزش رسمی محروم کردند، این دیدگاه هنوز در مناطق تحت نفوذ طالبان عملی میگردد، مکاتب دختران به آتش کشیده میشود، و دختران و معلمین شان به قتل رسیده، تهدید شده و مورد ازار قرار می گیرند[131].

در سال 1379 بیشتر از 40% اطفالی که در مکاتب ابتدائیه ثبت نام کردند، دختر بودند، این فیصدی در سال 2001 تقریبا صفر بود، هرچند، میزان ثبت نام دختران، مخصوصا در مکاتب ثانویه و ابتدائیه در بسیاری از مناطق روستایی، هنوز کمتر از میزان ثبت نام پسران می باشد.

وضعیت امنیتی ناپایدار در بسیاری از مناطق افغانستان بر آموزش اطفال و بویژه بر آموزش دختران تاثیر می گذارد. بسیاری از والدین نگران امنیت دختران شان در مکتب هستند. هر چه فاصله خانه تا مکتب بیشتر باشد، احتمال مکتب رفتن دختران کمتر می شود. والدین نمیتوانند واقعات قتل، تجاوز، و

---

[128]. با حمایت "نجات اطفال" سویدن و ناروی .
[129]. با حمایت یونیسف و دیگر سازمان ها
[130]. با حمایت بانک جهانی و دیگر سازمان ها
[131]. وزارت معارف (2008). انکشاف آموزش – گزارش ملی جمهوری اسلامی افغانستان، صفحه 28

تیزاب پاشی به دختران در راه مکتب را نادیده بگیرند. وزارت معارف برای رسیدگی به این وضعیت و نگرانی والدین استراتیژی ساخت تعداد زیادی از مکاتب کوچک محلی را اتخاذ کرده است تا از این طریق، فاصله مکاتب را برای متعلمین دختر کمتر سازد. نبود منابع مالی برای ساخت مکتب و همچنین معلمین زن در مکاتب ثانویه مناطق روستایی از جمله مشکلات فراروی گذار دختران از مکاتب ابتدایی به ثانوی می باشد[132].

فقط 10% از شاگردانی که در مکاتب فنی و حرفوی در سال 1386 ثبت کرده اند، دختر بوده اند[133].

تعداد محصلین دختر در دارالمعلمین ها در سال 1388 به 41% (9492 از 23570) افزایش یافته است. این وضعیت نتیجه گسترش همه جانبه استراتیژی وزارت معارف برای افزایش تعداد معلمین زن در سراسر کشور می باشد. علیرغم این پیشرفت ها، دارالمعلمین ها در 8 ولایت مواجه با مشکلات امنیتی، فاقد محصلین دختر می باشد. وزارت معارف برای ارتقاء شغل تدریس در میان زنان، طرح یک بورسیه را در سال 1388 روی دست گرفت. این بورسیه مبلغ 3000 افغانی (معادل 60 دالر امریکایی) برای 50 دختر در هر یک از 27 مرکز تربیه معلم فراهم میکند و امید میرود که موجب افزایش 2500 معلم دیگر در دو سال آینده شود[134].

دختران متعلق به گروه های اقلیت، دختران معلول و دخترانی که مشغول به کار هستند در برابر محرومیت از مکتب و به حاشیه رانده شدن بیشتر آسیب پذیرهستند. بنابراین ادامه تلاش ها برای فراهم آوری آموزش برای تمامی دختران بسیار با اهمیت است. مکاتب و صنف های محلی باید حتی در کوچکترین دهکده ها نیز تاسیس گردد تا از دسترسی نسل های آینده زنان و دختران افغانستان به آموزش و تعیین سرنوشت شان توسط خودشان، اطمینان حاصل گردد.

خلاء فعلی بین تقاضا و عرضه برنامه های آموزشی برای دختران به صورت عام و برای دختران معلول و متعلق به گروه های اقلیت به صورت خاص باید در اولین فرصت مورد توجه دولت افغانستان، اجتماعات محلی و تمویل کنندگان بین المللی مورد توجه قرار گیرد[135].

---

132. بر اساس معلومات به دست آمده از وزارت معارف از طریق ایمیل (18.4.2009)
133. وزارت معارف، ریاست پلان 2008، معلومات از واحد EMIS
134. بر اساس معلومات به دست آمده از وزارت معارف از طریق ایمیل (26.4.2009)
135. بر اساس معلومات به دست آمده از وزارت معارف از طریق ایمیل (18.4.2009)

بخش 4
خطوط کاری – به سوی تعلیمات فراگیر - 2009 تا 2014

1. برنامه های آگاهی بخشی و سیاست گذاری

- **2009 یا 2010(فبروری و مارچ):** سازماندهی یک میزگرد تخصصی برای بحث در مورد تعلیمات فراگیر. معرفی تعلیمات فراگیر و دوستانه برای طفل، طرح نیازها و ارزیابی حقوق، ارتقاء کنوانسیون های بین المللی در مورد تبعیض آموزشی (1960) و حقوق افراد معلول (2006)

- **2009 یا 2010(در ماه می یا جون):** سازماندهی یک کنفرانس و ورکشاپ ملی در مورد تعلیمات فراگیر. وزارت معارف میزبان این کنفرانس وزارت های معارف بوده و با همکاری وزارت تحصیلات عالی، صحت عامه، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، و وزارت زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ، یونسکو و اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر برگزار میگردد.

- **2009 یا 2010:** تهیه خلاصه گزیده کنوانسیون ها، موافقت نامه ها، و قوانینی که حق برابر تمامی اطفال به آموزش با کیفیت در یک زمینه فراگیر را تضمین می نمایند. تهیه 2000 کاپی به زبان های دری و انگلیسی (دوزبانه) و 2000 کاپی به پشتو و انگلیسی (دوزبانه).

- **2009 تا 2010:** ظرفیت سازی در وزارت معارف برای سیاست گذاری، پلان گذاری و اجرای برنامه های ابتکاری آموزشی، نظارت و ارزیابی و آگاهی بخشی.

- **2009 تا 2014:** نگارش یک ستون هفتگی در مورد تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال در روزنامه های عمده ملی (فارسی، انگلیسی و پشتو) در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر. اولین مقاله در این مورد در روزنامه های ملی در سوم دسمبر 2008 در تجلیل از روز جهانی معلولین چاپ شد (به ضمیمه شماره 1 مراجعه شود).

- **2009 تا 2014:** کار با شبکه تلویزیونی دولتی آموزش و ارتقاء تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال از طریق برنامه های ماهوار و هفته وار. دعوت از اطفال معلول برای بیان توانایی ها و نیازهایشان به منظور ارتقاء اگاهی و فعالیت های تشویقی.

- **2009 تا 2014:** همکاری با وزارت معارف در وضع مقررات مربوط به تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال بر اساس مواد قانون اساسی، قانون آموزش، پلان استراتژیک آموزش ملی، و کنوانسیون های بین المللی.

- **2009 تا 2014:** تهیه مواد آگاهی بخش و اطلاع رسان در مورد تعلیمات فراگیر برای اطفال، والدین، رهبران دینی و اجتماعی، مسئولین آموزشی و صحی، قانون گذاران، و دیگر افراد مهم ذیدخل. بخشی از این مواد را میتوان از طریق معلمین و دانش آموزان در مکاتبی که تعلیمات فراگیر ازمایش میشود، تهیه کرد.

- **2009 تا 2014:** خبرنامه آسیایی EENET باید به فارسی و پشتو ترجمه، چاپ و در مکاتب و موسسات دولتی و غیر دولتی در سراسر افغانستان توزیع گردد. این کار باید در هماهنگی بین وزارت معارف و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر انجام شود[136].

- **2009 تا 2014:** ارتقاء اموزش دختران در میان رهبران دینی، رهبران اجتماعی و افراد بزرگسال فامیل ها در هماهنگی بین تمامی وزارت های مربوطه و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر.

2. گسترش دسترسی به تعلیم و تربیه

- **2009 یا2010**

اجرای آزمایشی تعلیمات فراگیر قبل از مکتب (آمادگی) در سه مکتب دولتی در کابل. این طرح در مکاتب آزمایشی تعلیمات فراگیر که فعلا موجود می باشد اجرا خواهد شد. این طرح توسط بخش آموزش قبل از مکتب (امادگی) وزارت معارف و با حمایت فنی یونسکو و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر اجرا میشود. دوره های آمادگی تجارب شان را با دیگر دوره های آزمایشی اجرا شده منحیث بخشی از برنامه آموزش محلی (CBE) در شمال غرب افغانستان تشریک می نمایند[137].

- **2009 تا 2014**

ایجاد صنف های محلی بیشتر در قریه ها و دهکده ها در سرتاسر افغانستان. تقویت صنف های محلی موجود و حصول اطمینان از فراگیر بودن صنوف و شمولیت تمامی اطفال صرف نظر از توانایی ها و سوابق شان در این صنوف، حصول اطمینان از براورده سازی نیازهای اطفالی که نیازهای خاص آموزشی دارند. این کار از طریق همکاری وزارت معارف، دیگر وزارت های مربوطه، سازمان هایی که در مورد آموزش محلی و بازسازی محلی کار میکنند، و اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر انجام میشود.

- **2009 تا 2014**

ایجاد مکاتب رسمی جدید در اجتماعات و نواحی دور از مکاتب موجود، ارتقاء مکاتب مبتنی بر اجتماع به مکاتب رسمی، تاسیس مکاتب دخترانه جدید در نواحی که ادامه تحصیل دختران در مکاتب مختلط ممکن نیست[138].

- **2009 تا2014**

راه اندازی تدریس چند صنفه (بر اساس نصاب تعلیمی) برای اطفال زندانی.

- **2009 تا 2014**

تهیه برنامه های دسترسی برای اطفال کارگر، با راه اندازی 12 مکتب ازمایشی برای تعلیمات فراگیر در کابل.

---

[136]. اولین نسخه توسط یونیسف در حال ترجمه می باشد و با حمایت یونیسف، انجمن ملی ناشنوایان افغانستان، ENNET آسیا، IDP ناروی، کمیته سویدن برای افغانستان SCA، WCH هالند، و دیگر اعضای هماهنگ کننده اموزش فراگیر چاپ میشود.

[137]. با کمیته نجات بین المللی (IRC)

[138]. بر اساس معلومات به دست آمده از وزارت معارف از طریق ایمیل (18.4.2009)

- **2010 تا 2014**
گسترش دوره های امادگی قبل از مکتب، مکاتب ابتدایی و مکاتب ثانوی که در نتیجه برنامه های ازمایشی در کابل و دیگر نقاط افعانستان ایجاد شده اند.

- **2010 تا 2014**
ارتقاء یک رویکرد جامع برای انکشاف دوره اولیه طفولیت (ECD) در برنامه های صحی و آموزشی موجود.

3. نصاب تعلیمی، و سیستم های ارزیابی و امتحان

- **2009 تا 2010**
یونسکو و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر باید مدیریت تهیه نصاب تعلیمی (وزارت معارف) را در تهیه یک نصاب تعلیمی فراگیر و دوستانه برای اطفال و همچنین مواد اموزشی برای دوره امادگی، ابتدایی و ثانوی به شمول مواد دیداری و شنیداری مساعدت نمایند. تهیه یک فرهنگ لغت زبان اشاره ویدیویی و معرفی آن به مکاتب فراگیر و همچنین برنامه های تربیه معلم و دیگر برنامه های آموزشی.

- **2009 تا 2010**
مدیریت تهیه نصاب تعلیمی (وزارت معارف) باید یک مضمون درسی جدید را برای صنوف چهار و بالاتر معرفی کند. این مضمون " مضمون محلی" نام دارد و محتوای ان توسط مسئولین ولایت یا ولسوالی تهیه میشود. هدف از تدریس این مضمون بیان نیازهای اطفال و اجتماعات محلی است. "مضمون محلی" میتواند شامل موضوعاتی مثل زراعت، آشپزی، سنت های غذایی محلی، اقتصاد، و ایجاد صنایع کوچک، محافظت از محیط زیست، فرهنگ محلی، تاریخ محلی، کوهنوردی، شعر، داستان و غیره باشد.

- **2009 تا 2010**
یونسکو و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر باید وزارت معارف را در تهیه سیستم های ارزیابی و امتحان مبتنی بر تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال برای آموزش ابتدایی و ثانوی مساعدت نمایند. این کار باعث کاهش تعداد اطفالی میگردد که هر سال از مکتب اخراج شده یا ترک تحصیل می نمایند.

4. تربیه معلم – دانشگاه/پوهنتون تعلیم و تربیه و دیگر دانشگاه هایی که دانشکده/پوهنحی تعلیم و تربیه، صحت و طب دارند.

- **2009 تا 2010**
بازبینی نصاب های تعلیمی دوره لسانس در رشته ضایعه/معلولیت شنوایی و بینایی با حمایت فنی گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر.

- **2009 تا2010**
تهیه فرهنگ لغات مربوط به معلولیت ها، تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستانه برای اطفال. این فرهنگ لغت باید توسط بخش جدید وزارت معارف که مربوط به دوره آمادگی تعلیمات فراگیر می باشد و با حمایت فنی یونسکو و گروه انسجام تعلیمات فراگیر آماده شود.

- **2009 تا 2014:**
معرفی "بسته پذیرش تنوع" (Embracing Diversity Toolkit) برای ایجاد محیط های آموزش دوستانه و فراگیر در فهرست کاری تمامی برنامه های آموزشی.

- **2009 تا 2014:**
ظرفیت سازی جامع در کدر علمی دانشگاه/پوهنتون تعلیم و تربیه که با یک دوره آموزشی یک هفتگی در اوایل سال 2009 در مورد تعلیمات فراگیر شروع میشود. این برنامه با سلسله سخنرانی ها توسط استادان و معلمینی که از دیگر دانشگاه ها از جمله دانشگاه گالودت (Gallaudet University) ، دانشگاه تعلیم و تربیه اندونزیا (UPI)، دانشگاه سلطنتی بوتان، دانشگاه منچستر، دانشگاه اسلو، و دانشگاه استکهلم دعوت میشوند، ادامه می یابد. دانشگاه تعلیم و تربیه در درازمدت به استاد با درجه دکتری در رشته های فراگیری و نیازهای خاص نیاز دارد.

- **2010 تا 2014:**
تمامی برنامه های تربیه معلم باید مضمون تعلیمات فراگیر را در نصاب تعلیمی خود بگنجانند.

- **2010تا 2014:**
دانشگاه تعلیم و تربیه کابل و دیگر دانشگاه ها دارای دانشکده/پوهنحی تعلیم و تربیه، صحت و طب باید به تدریج برنامه ذیل را روی دست گیرند (در سطح لسانس و ماستری):

  - رفتار درمانی
  - آموزش دوزبانه
  - رشد کودک
  - برنامه ریزی و انکشاف آموزشی با تمرکز بر نوآوری در آموزشی
  - ضایعه/معلولیت شنوایی (برنامه عمومی)
  - ضایعه/معلولیت شنوایی با تخصص شنوایی سنجی (Audiology)
  - تعلیمات فراگیر (برنامه عمومی)
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در (ADHD/ADD)
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در ضایعه/معلولیت رشدی
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در ضایعه/معلولیت شنوایی
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در مشکلات خواندن و نوشتن
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در مشکلات عاطفی و رفتار اجتماعی
  - تعلیمات فراگیر/پداگوژی خاص با تخصص در ضایعه/معلولیت بینایی
  - رشد و پیشرفت زبان
  - کاردرمانی
  - دید سنجی
  - درمان امراض چشم اطفال (Pediatric Ophthalmology)
  - فیزیوتراپی، با تمرکز بر ضایعه/معلولیت جسمی اطفال
  - آموزش قبل از مکتب / شناخت و مداخله زودهنگام
  - زبان اشاره
  - گفتار درمانی
  - ضایعه/معلولیت بینایی (برنامه عمومی)
  - ضایعه/معلولیت بینایی با تخصص در خط بریل

- ضایعه/معلولیت بینایی با تخصص در دید کم
- ضایعه/معلولیت بینایی با تخصص در فعالیت های حیاتی روزمره (ADL) و تحرک و جهت یابی (O&M)

5. تربیه معلم – مراکز تربیه معلم (در سطح ملی و ولایتی) و مراکز تربیه معلم سازمان دهی شده توسط دیگر افراد ذیدخل

- **2009 تا 2010**
  آماده سازی بسته ILFE [139] در همکاری با وزارت آموزش و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر. چاپ 10000 کاپی از این بسته و توزیع آن در تمامی مراکز تربیه معلم و برنامه های تربیه معلم سازمان دهی شده توسط دیگر موسسات همکار.

- **2009 تا 2014**
  ظرفیت سازی جامع در میان کدر علمی مراکز تربیه معلم در مورد تعلیمات فراگیر – که با یک دوره آموزشی فشرده سه هفته ای در اوایل 2009 شروع میشود. این کارگاه آموزشی باید از بسته ILFE منحیث مبنای بخش اولیه برنامه ظرفیت سازی استفاده کند.

- **2009 تا 2014**
  هماهنگ سازی تمامی برنامه های تربیه معلم در رابطه با آموزش دوستانه و فراگیر که توسط اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر سازماندهی شده اند – تشریک منابع در میان اعضای گروه های کاری.

- **2009 تا 2014**
  تمامی برنامه های تربیه معلم باید شامل صنف هایی در مورد تعلیمات فراگیر باشند.

- **2010 تا 2014**
  مراکز تربیه معلم دوره های آموزشی ذیل را ارائه نمایند:

  - فعالیت های حیاتی زندگی روزمره (ADL) از جمله رشد مهارت های اجتماعی
  - تحقیق مبتنی بر عمل (عمل نگر)
  - اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت
  - شنوایی سنجی(Audilogy)
  - در خودماندگی (Autism)
  - رفتار درمانی(Behavioural therapy)
  - آموزش دو زبانه
  - خط بریل (نابینایان)
  - سنجش و ارزیابی دوستانه برای طفل
  - مدیریت صنف درسی
  - مشاوره
  - ضایعه/معلولیت رشدی
  - اقدام یا مداخله زودهنگام (Early Intervention)
  - آموزش با در نظرداشت حساسیت جنسیتی

[139]. بسته پذیرش تنوع برای خلق محیط آموزشی دوستانه و آموزش فراگیر

- ضایعه/معلولیت شنوایی
- تعلیمات فراگیر و دوستانه
- ابتکار در آموزش – معرفی روش های تدریس جدید و ابتکاری
- آموزش مهارت های زندگی (LSE)
- دید کم
- کاردرمانی(Occupational Therapy)
- جهت یابی و تحرک (O&M)
- تهیه مواد آموزشی – چگونگی ساخت مواد آموزشی از مواد ارزان قیمت یا مواد زائد
- فن آموزش و پرورش طفل یا پیداگوژی (Pedagogy)
- انضباط مثبت
- مراقبت قبل از مکتب / دوره اولیه خردسالی و رشد / آموزش
- یادگیری مبتنی بر پروژه
- مشکلات خواندن و نوشتن
- زبان اشاره
- مشکلات عاطفی اجتماعی
- گفتار درمانی
- یکپارچگی مضمون
- تدریس در صنف های بزرگ/پرجمعیت
- طرح جهانی مکتب و صنف / قابلیت دسترسی
- ضایعه/معلولیت بینایی

6. سیستم حمایتی برای اطفال معلول و افراد با نیازمندی های خاص

- **2009 یا 2010**

تاسیس یک بورد جدید ملی برای تعلیمات فراگیر و نیازهای خاص تحت نظر وزارت معارف و در همکاری با و دوره آمادگی وزارت معارف و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر. وظیفه اصلی این بورد ملی، پلان گذاری و سازماندهی ایجاد یک سیستم حمایتی برای اطفال معلول و افراد با نیازهای خاص آموزشی (در یک محیط فراگیر، تلفیقی و مجزا) و همچنین نظارت و ارزیابی بر عملکرد این سیستم می باشد.

- **2009 تا 2014**

ایجاد (و توسعه) یک مرکز ملی شایستگی (National Competence Centre) برای تعلیمات فراگیر و نیازهای خاص آموزشی در کابل تحت نظارت وزارت معارف و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر و پوهنتون تعلیم وتربیه کابل (فاکولته تعلیمات خاص). در حالت مطلوب، این مرکز باید دارای این بخش ها باشد: اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، در خودماندگی، ضایعه/معلولیت ذهنی/ ضایعه/معلولیت رشدی، ضایعه/معلولیت شنوایی، ضایعه/معلولیت جسمی، مشکلات خواندن و نوشتن، مشکلات عاطفی- اجتماعی، ضایعه/معلولیت بینایی، و همچنین کشف و مداخله زودهنگام. وظایف اصلی این مرکز حمایت از توسعه مراکز ولایتی و واحدهای ولسوالی، ارائه مساعدت فنی به وزارت معارف، وزارت صحت عامه، وزارت کار و امور اجتماعی، حمایت از برنامه های آموزشی و تربیه معلم مرتبط با تعلیمات فراگیر و نیازهای خاص، تهیه مواد اموزشی، و همچنین هماهنگ سازی و توزیع مواد مساعدتی به مراکز ولایتی و ولسوالی می باشد.

- **2010 تا 2014**

ایجاد (و توسعه) مراکز ولایت شایستگی برای تعلیمات فراگیر و نیازهای خاص در تمامی 34 ولایت افغانستان تحت نظر وزارت معارف و ارگان های محلی و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر، دانشگاه تعلیم و تربیه کابل (فاکولته نیازهای خاص) و دیگر دانشگاه های ولایت مربوطه که دانشکده تعلیم و تربیه، صحت و طب دارند. در حالت مطلوب، این مرکز باید دارای 3 تا 4 متخصص برای موارد ذیل باشد: اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، در خودماندگی، ضایعه/معلولیت ذهنی/ ضایعه/معلولیت رشدی، ضایعه/معلولیت شنوایی، ضایعه/معلولیت جسمی، مشکلات خواندن و نوشتن، مشکلات عاطفی- اجتماعی، ضایعه/معلولیت بینایی، و همچنین کشف و مداخله زودهنگام. وظایف اصلی این مراکز حمایت از واحدهای ولسوالی و معلمین و اطفال مکاتب می باشد.

- **2011 تا 2014**

ایجاد (و توسعه) واحدهای حمایتی ولسوالی برای تعلیمات فراگیر و نیازهای خاص در تمامی 445 ولسوالی افغانستان تحت نظر وزارت معارف و ولسوالی ها و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر. در حالت مطلوب این واحدها باید حداقل دو متخصص داشته باشند تا به موارد ذیل رسیدگی کنند: اختلال کاهش توجه و فرط فعالیت، در خودماندگی، ضایعه/معلولیت ذهنی/ ضایعه/معلولیت رشدی، ضایعه/معلولیت شنوایی، ضایعه/معلولیت جسمی، مشکلات خواندن و نوشتن، مشکلات عاطفی- اجتماعی، ضایعه/معلولیت بینایی، و همچنین کشف و مداخله زودهنگام. وظایف اصلی این واحدها حمایت از معلمین و اطفال مکاتب، توزیع کتاب های بریل و مواد مساعدتی می باشد. واحدهای ولسوالی در موارد پیچیده و انکشاف مسلکی و همچنین نظارت و ارزیابی از مراکز ولایتی کمک می گیرند.

7. خرید و تهیه مواد مساعدتی ارزان قیمت

- **2009 یا2010**

ایجاد "تیم خریداری مواد مساعدتی" از میان اعضای گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر. اعضای گروه هماهنگ کننده خرید تجهیزات و مواد مساعدتی را برای صرفه جویی در مصارف هماهنگ کرده و روند حفظ، مراقبت و ترمیم را موثرتر می سازند.

- **2010 تا 2014**

تهیه مواد مساعدتی ارزان قیمت یا تولیدات محلی برای اطفال، جوانان و بزرگسالان معلول. با همکاری و مساعدت فنی و/یا دانشکده های مهندسی (انجینری) افغانستان، اجتماع و موسسات استفاده کننده (DPOs).

8. تولید بریل

- **2009 یا 2010**

ایجاد انتشارات ملی بریل در کابل منحیث یک کنسرسیوم تحت نظارت وزارت معارف و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر (جاییکه تمامی واحدهای نشراتی بریل عضو آن هستند).

- **2009 تا 2014**

انتشارات ملی بریل در کابل کتاب های درسی مکاتب و دیگر مواد خواندنی را تولید میکند. این انتشارات باید از ظرفیت تولید 5000 کتاب یا 500000 صفحه بریل در سال برخوردار باشد. این ظرفیت باید تا 10000 کتاب یا 1000000 صفحه تا ختم سال 2010 افزایش یافته و به تدریج به 150000 کتاب یا 15000000 صفحه تا سال 2014 برسد (ضمیمه شماره 2 را ببینید).

- **2009 تا 2014**

انتشارات بریل باید حداقل 20% ظرفیت خود را به تولید کتاب های داستان به خط بریل اختصاص دهد. این امر در رشد عادات مطالعه در میان اطفال و جوانان نابینا مهم است. کتاب های خوب داستانی همچنین به پرورش خلاقیت و رشد تخیل در میان اطفال کمک میکند.

- **2009 تا 2014**

در صورت امکان، افرادی که دچار اختلال بینایی و دیگر معلولیت ها هستند، در انتشارات بریل استخدام شوند. هرچند، این نکته مهم است که نشرات تا حد ممکن تاثیرگذار باشد. هدف اصلی این انتشارات تولید کتاب های با کیفیت بریل است. افرادی که اختلال بینایی دارند باید برای تصحیح متون استخدام شوند. این کار میتواند منحیث یک کار پاره وقت در منزل انجام شود و فرصت های شغلی بیشتری برای زنان نابینا فراهم کند. از افرادی که اختلال شنوایی و معلولیت فیزیکی دارند میتوان در بخش وارد کردن معلومات در کمپیوتر ها برای تبدیل به خط بریل و از افرادی که دچار اختلال رشد هستند برای بسته بندی مواد بریل و انتقال آن به مکاتب و استفاده کنندگان، کار گرفت.

9. زبان اشاره

- **2009 تا 2010**

تهیه فرهنگ لغت زبان اشاره با 6000 علامت/اشاره. فرهنگ لغت فعلی شامل 2000 علامت است. فرهنگ لغت دوم با 2000 علامت دیگر توسط بخش آمادگی قبل از مکتب و تعلیمات فراگیر وزارت معارف در اوایل سال 2009 چاپ شد[140]. با توجه به نصاب تعلیمی برای آموزش ابتدایی و ثانوی تدریس تمامی مضامین نیازمند علائم بیشتر می باشد. فرهنگ لغت کامل زبان اشاره باید در شکل ویدیویی نیز تولید شده و در سرتاسر افغانستان توزیع گردد.

- **2009 تا 2010**

تهیه نصاب تعلیمی برای دوره های کوتاه مدت (دیپلم) معلمین و مترجمین زبان اشاره. این دوره ها باید تحت نظر مرکز ملی تربیه معلم در کابل یا تحت نظر دانشکده آموزش خاص در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر دایر گردند.

- **2010 تا 2011**

تهیه نصاب تعلیمی برای معلمین و مترجمین زبان اشاره (لیسانس). این برنامه باید تحت نظر دانشکده آموزش خاص در دانشگاه تعلیم و تربیه و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر دایر گردد.

[140]. با حمایت WCH هالند

- **2010 تا 2014**

آموزش 100 مترجم/مفسر و معلم زبان اشاره در سال (در سال های 2009 و 2010) – از طریق دوره های کوتاه مدت (دیپلم). این تعداد باید به 200 معلم و مترجم/مفسر در سال تا سال 2011 و سال های بعدی افزایش یابد. نیاز کلی به معلمین و مترجمین زبان اشاره بیش از 5000 نفر تخمین زده میشود. نکته مهم این است که دوره های کوتاه مدت باید در مرحله اول برای کسانی که با اطفال ناشنوا کار میکنند و از طریق برنامه های یکپارچه آموزشی، آموزش مبتنی بر اجتماع، بازسازی مبتنی بر اجتماع، و کسانی که به صورت رسمی در زمینه صنف های خاص برای ناشنوایان کار میکنند، ارائه گردد.

- **2010 تا 2014**

وزارت معارف و گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر باید پالیسی مشخصی در مورد زبان اشاره در رسانه ها تهیه کنند. این کار باید در همکاری با وزارت اطلاعات و فرهنگ صورت گیرد. این پالیسی باید تمامی رسانه های ملی و محلی را ملزم سازد تا به طور همزمان برخی از برنامه های تلویزیونی مثل اخبار و برنامه های آموزشی را به زبان اشاره ترجمه کند[141].

- **2011 تا 2014**

آموزش 35 معلم و مترجم زبان اشاره، در سال، که از سال 2011 از طریق یک برنامه لیسانس جداگانه. نیاز مجموعی به معلمین و مترجمین متخصص زبان اشاره بیش از 1000 نفر تخمین زده می شود. در هر ولایت باید حداقل 2 نفر متخصص زبان اشاره موجود باشد تا از معلمین زبان اشاره مستقر در واحدهای ولسوالی و مکاتب و کسانی که با اموزش و بازسازی مبتنی بر اجتماع کار میکنند حمایت کنند.

- **2013 تا 2014**

تهیه نصاب تعلیمی برای دوره ماستری زبان اشاره. این برنامه باید تحت نظر دانشکده اموزش خاص در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر دایر گردد.

[141]. بر اساس معلومات به دست آمده از وزارت معارف از طریق ایمیل (18.4.2009)